



فصلنامه علمی پژوهش‌های مشاوره
انجمن مشاوره ایران
جلد ۲۲، شماره ۸۷، پاییز ۱۴۰۲
مقاله پژوهشی

e-issn:4018-2717

p-issn:400-2717X

DOI: 10.18502/qjcr.v22i87.13985

تغییرات عوامل فردی، درون زوجی و برون زوجی مؤثر در ازدواج (۱۳۵۷ تا ۱۴۰۱) از نگاه متخصصین زوج درمانگر: مطالعه کیفی

مسعود تقدسی^۱، محمد نقی فراهانی^۲، مرتضی منطقی^۳

۱. دانشجوی دکتری روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
std_masood.taghadossi@khu.ac.ir
۲. نویسنده مسئول) دکتری روان‌شناسی، استاد گروه روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
Fara@khu.ac.ir
۳. دکتری روان‌شناسی، استاد گروه روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
mehrnan_manteghi@yahoo.com

(صفحات ۴۸-۸۵)

چکیده

مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری می‌باشد.

هدف: هدف این پژوهش، شناسایی شاخص‌های تغییرات ازدواج قانونی و شرعی و رسمی، از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۴۰۱ است. **روش:** برای دستیابی به اهداف تعیین شده از روش کیفی (گراند تئوری اشتراوس و کوربین) استفاده شد. ۱۰ متخصص روان‌شناس حوزه ازدواج با میانگین ۳/۶ سال تجربه و فعالیت تخصصی در زمینه رابطه زوجی با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده و تا حد اشباع نظری مورد مصاحبه عمیق قرار گرفتند. داده‌ها ثبت، کدگذاری و سپس در قالب مفاهیم، مقولات فرعی و مقولات اصلی طبقه‌بندی شدند. **یافته‌ها:** تحلیل تجربه حرفه‌ای متخصصین در مورد ازدواج منجر به شناسایی ۱۳۸ کد ثانویه، ۲۷ مفهوم، ۸ مقوله فرعی و ۳ مقوله اصلی شد. تغییرات در عوامل برون زوجی، بین زوجی و فردی مقولات اصلی این پژوهش محسوب می‌شوند. تغییرات در عواملی نظیر، نقش‌ها، پدیده طلاق، میزان اثرگذاری جامعه، آموزه‌های اجتماعی، رسانه‌ها، افزایش آگاهی جامعه، ویژگی جمعیت‌شناختی، تجارب اجتماعی، سیاست‌گذاری‌ها، مسائل اقتصادی، نوگرایی، درآمیختگی فرهنگی، نگرش‌ها، مسائل مذهبی، نقش خانواده، میزان نفوذ اطرافیان، طبیعت رابطه، روابط بین دو جنس، بی‌وفایی، تعهد نسبت به مسئولیت‌ها، سوء مصرف مواد/ دارو / الکل، نیازها، انتخاب همسر، انگیزش، دانش زندگی، گشودگی به تجربه جدید، هویت فرد، مورد اشاره قرار گرفته است. **نتیجه‌گیری:** این پژوهش نشان داد ازدواج در طول سال‌های (۱۳۵۷-۱۴۰۱) متأثر از تغییرات در عوامل درون فردی، بین زوجی و برون زوجی بوده است. ازنقطه نظر اصلاح وضع نامطلوب ازدواج در زمان انجام پژوهش، سیاست‌گذاری‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باثبات و سازنده، ضروری به نظر می‌رسد. همچنین در نظر گرفتن شرایط روز جامعه و جهان، پرداختن به آموزش‌های متناسب با تغییرات به وجود آمده، توجه به هویت فردی و نیازهای نسل جدید، نیز می‌تواند در سامان دادن به وضعیت ازدواج کمک کند.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۱ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۱۳

واژه‌های کلیدی: ازدواج، زوج درمانگر، عوامل فردی، عوامل درون زوجی، عوامل برون زوجی

مقدمه

ازدواج به عنوان یکی از مهمترین روابط بین فردی، اهمیت زیادی در زندگی انسان‌ها دارد. ازدواج در کشور ایران همگام با دیگر کشورها تحت تأثیر تحولات اجتماعی، فرهنگی و فناوری‌ها قرار گرفته است. ازدواج در کشور ایران همگام با دیگر کشورها تحت تأثیر تحولات اجتماعی، فرهنگی و فناوری‌ها قرار گرفته است. پژوهش‌ها نشان می‌دهند، هنجارهای ازدواج در طول زمان و میان نسل‌های متفاوت تفاوت‌های محسوس دارند (خانی، محمدزاده و عباسی شوازی ۱۳۹۷). از سوی دیگر تحولات بین‌نسلی نقش مهمی در شکل‌گیری، تداوم و فروپاشی ازدواج دارند (مدیری و مهدوی، ۱۳۹۴). پنج دهه گذشته جهان با سرعت زیادی شاهد دگرگونی‌های علمی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بوده است و کشور ایران هم از این تغییرات اثر پذیرفته است. پیشرفت فناوری‌ها تأثیراتی را در زمینه اقتصاد، سیاست، مسائل اجتماعی، فرهنگ و زندگی افراد به همراه داشته و مفهوم دهکده جهانی را رقم زده است. ازدواج از این قاعده مستثنی نیست و تحت تأثیر این اتفاق قرار دارد. افزایش سن ازدواج، کاهش ثبات ازدواج، تغییرات در انتخاب شریک رابطه، عادی شدن طلاق از جمله تغییرات ازدواج و تحت تأثیر تغییرات بین‌نسلی، پیشرفت فناوری‌ها و جهانی شدن بوده است (دلخמוש، ۱۳۹۲). علاوه بر این از سال ۱۳۵۷ تا ۱۴۰۱ جامعه ایران دستخوش تحولاتی نظیر تغییرات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، مذهبی و اعتقادی شده است. این تغییر و تحول اجتماعی و نوگرایی‌ها در زندگی خانوادگی افراد جامعه تأثیر دارد (فرهمنند، خرم‌پور، پارسائیان و ماندگاری، ۱۳۹۳؛ یزدانی و دوستی ۱۳۹۴؛ ثناگویی‌زاده، ۱۴۰۰). از سوی دیگر ارزش‌های سنتی در میان چهار نسل گذشته جامعه ایرانی که تجارب مختلفی داشته‌اند، تغییراتی را تجربه کرده است (عباس‌زاده، آقایی‌هیبر، علیزاده اقدم و عدلی‌پور، ۱۳۹۹) و ازدواج نیز از این قاعده مستثنی نیست. نگاهی به نسبت نرخ ازدواج درج شده در مرکز ثبت و احوال ایران نشان می‌دهد، نسبت نرخ ازدواج به طلاق از ۱۴،۲۹ ازدواج به ازای هر یک

طلاق در سال ۱۳۵۷ به ۲,۷۹ ازدواج به ازای هر طلاق در سال ۱۴۰۰ تغییر یافته است (سازمان ثبت احوال ایران). علاوه بر این؛ پژوهش‌های دیگر هم نشان می‌دهند در طول این مدت، هنجارهای ازدواج (خانی، محمدزاده و عباسی شوازی ۱۳۹۷) و ارزش‌های ازدواج (گروسی و یاری نسب، ۱۳۹۹) تغییرات زیادی داشته است. با توجه به این که طلاق یکی از عوامل تهدید کننده، سلامت انسان‌ها است (زین‌الدین^۱، ۲۰۱۹). و آمارها از روند صعودی ازدواج‌های ناموفق حکایت دارند؛ همچنین با در نظر گرفتن این نکته که بیش از ۹۰ درصد افراد در طول زندگی و مراحل تحولی خود ازدواج می‌کنند (کایرز^۲، ۲۰۱۷؛ یائو^۳، ۲۰۱۵)، و تأثیری که تحولات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و روانی بر روابط زوج‌ها می‌گذارد (پیترومانکو و کالینز^۴، ۲۰۱۷؛ روس، لیونز و بنت^۵، ۲۰۱۸) مطالعه پدیده ازدواج مورد توجه قرار می‌گیرد.

پژوهش‌ها و داده‌های آماری نشان می‌دهند، تعداد افرادی که مراحل تحولی خود را با یک همسر به پایان می‌رسانند نموداری نزولی دارد (پراون و رایت^۶، ۲۰۱۷) و تغییر الگوی پایان رابطه زوج‌ها از مرگ به طلاق دغدغه بسیاری از محققان بوده است (تیموتی و جانسون^۷، ۲۰۱۸) و با توجه به افزایش امید به زندگی و افزایش نرخ طلاق، بررسی رابطه زوج‌ها یک هدف مهم به شمار می‌رود (کار، فریدمان، کورن‌مان و اسوارز^۸ و همکاران، ۲۰۱۴). نگاهی به سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۴۰۱ در ایران نشان می‌دهد، جامعه ایران در معرض تحولات پیاپی و سریعی مانند انقلاب، جنگ، تحولات فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، توسعه فناوری‌های نوین نظیر اینترنت و ماهواره و جهانی شدن قرار داشته است. این موضوع منشا پژوهش‌های زیادی در حوزه جامعه‌شناسی شده است. برخی از این

1. Zineldin
2. Kiersz
3. Yau
4. Pietromonaco, & Collins
5. Roos, Levens, & Bennett
6. Brown, & Wright
7. Timothy-Springer, & Johnson
8. Carr, Freedman, Cornman, & Schwarz

پژوهش‌ها تحولات بین‌نسلی در مورد ازدواج را مورد پژوهش قرار داده‌اند، مانند نقش تحولات بین‌نسلی در ازدواج (مدیری و مهدوی، ۱۳۹۴) و برخی دیگر متغیرهای محدودی را مانند تأثیر گسترش و پیشرفت رسانه‌ها (جعفرزاده پور، ۱۳۹۶)، یا تأثیر گسترش روابط جنسی در پیش از ازدواج و تأثیری که در تغییرات ساختاری ازدواج داشته است (قنبری برزیان، سلمانوندی و فاطمی، ۱۳۹۸).

مروری بر پژوهش‌های پیشین انجام شده نشان می‌دهد مسئله تغییرات اجتماعی و تأثیر آن بر پدیده‌های انسانی مانند ازدواج بیشتر مورد توجه جامعه‌شناس‌ها بوده تا روان‌شناس‌ها و این در حالی است که ازدواج موضوعی است که مورد مطالعه علم روان‌شناسی هم قرار دارد. علاوه بر این در اغلب پژوهش‌ها گروه هدف افراد غیرمتخصص، از نسل‌های متفاوت مورد پژوهش قرار گرفتند؛ بنابراین استفاده از متخصص‌های روان‌شناس ازدواج برای رهگیری تغییرات در عوامل مؤثر در ازدواج می‌تواند، نگاهی تازه در این زمینه باشد.

علاوه بر این؛ مطابق با این دیدگاه که انسان ابعادی زیستی، روانی، اجتماعی و معنوی دارد و باتوجه به تغییرات گسترده اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اعتقادی از یک سو و از سوی دیگر وضعیت نابسامان ازدواج در حال حاضر این سؤال مطرح می‌شود که از منظر متخصصین روان‌شناس عوامل مؤثر در ازدواج در میان سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۴۰۱ چه تغییراتی را تجربه کرده و از چه عواملی اثر پذیرفته است؟ تلاش برای کم کردن خلأ حضور روان‌شناس‌های متخصص ازدواج، در پژوهش‌هایی که پدیده ازدواج را در طی سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۴۰۱ بررسی می‌کنند؛ همچنین بازنمایی تغییرات رخ داده در عوامل مؤثر در ازدواج، ضرورت این پژوهش را تبیین می‌کند. بنابراین برای کمک به برنامه‌ریزی صحیح در مورد ازدواج این پژوهش با هدف کشف تغییرات در عوامل مؤثر در ازدواج بین سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۴۰۱ از نظر متخصصین روان‌شناس روابط زوجی طرح‌ریزی شد.

روش

در این پژوهش از روش داده بنیاد که یک روش کیفی است برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است. جامعه این پژوهش متخصصین حیطه ازدواج بود که با روش نمونه‌گیری هدف‌مند و در دسترس، تعداد ۱۰ نفر متخصص تا حد اشباع نظری مورد مصاحبه قرار گرفتند. به دلیل این که پژوهشگر می‌خواهد مطمئن باشد که داده‌های به دست آمده، ویژگی‌های مربوط به پژوهش را داشته باشد، نمونه‌گیری در همه تحقیقات کیفی تقریباً نمونه در دسترس است (دلاور، ۱۳۹۳). ملاک انتخاب متخصصین عضویت در هیئت علمی دانشگاه‌ها، تخصص و تجربه در زمینه پژوهش، مشاوره و مداخله در موضوع ازدواج و یا حضور تأثیرگذار در مناصب دولتی مرتبط با حوزه خانواده و ازدواج نظیر عضویت در معاونت زنان و خانواده ریاست جمهوری، مدیر کل بهزیستی استان تهران، رئیس پژوهشکده خانواده دانشگاه اصفهان بود.

برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه بدون ساخت استفاده شد. هدف از این مصاحبه‌ها اخذ نظر تخصصی متخصصین برگرفته از تجربه زیسته حرفه‌ای و شخصی آن‌ها در مورد ازدواج قانونی، شرعی و ثبت شده در ایران بود. مصاحبه اول با سؤالات کلی در مورد تجربه زیسته متخصص اول در خصوص ازدواج آغاز شد. سؤالاتی نظیر «بدون توجه به نظریه‌ها و رویکردهای روان‌شناسی و با در نظر گرفتن تجربه حرفه‌ای و شخصی خود از سال ۱۳۵۷ تا کنون، چه تغییراتی را در عوامل مؤثر در شکل‌گیری، تداوم و فروپاشی رابطه زوجی می‌توانید ذکر کنید» و در صورت لزوم و جهت دستیابی به جزئیات بیشتر و اطلاعات دقیق‌تر از پرسش‌های کاوشگرانه‌ای نظیر «ممکن است در این مورد بیشتر توضیح دهید؟» استفاده شد. محتوای هر مصاحبه وارد نرم‌افزار maxqda شده و پس از تحلیل و کدگذاری، از محتوای آن برای انجام مصاحبه بعدی به همراه پرسش‌های اولیه به کار گرفته شد. این روند تا رسیدن به اشباع داده‌ها تا مصاحبه آخر ادامه پیدا کرد. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان در مصاحبه این پژوهش در جدول شماره ۱ آمده است.

جدول ۱. جدول متخصص‌های مشارکت‌کنندگان در مصاحبه

ردیف	جنسیت	تحصیلات	شغل	سابقه فعالیت
۱	مرد	دکترای روان‌شناسی	هیات علمی دانشگاه خوارزمی	۳۵ سال
۲	مرد	دکترای روان‌شناسی	هیات علمی دانشگاه خوارزمی	۳۵ سال
۳	مرد	دکترای روان‌شناسی	هیات علمی دانشگاه خوارزمی	۳۳ سال
۴	مرد	دکترای روان‌شناسی	هیات علمی دانشگاه اصفهان	۳۰ سال
۵	مرد	کارشناس ارشد روان‌شناسی	مدیرکل بازنشسته بهزیستی استان تهران	۴۲ سال
۶	زن	دکترای مشاوره	هیات علمی دانشگاه روزبهان	۲۸ سال
۷	زن	دکترای روان‌شناسی	هیات علمی دانشگاه اصفهان	۲۳ سال
۸	زن	دکترای مشاوره	هیات علمی دانشگاه الزهرا	۳۲ سال
۹	زن	دکترای روان‌شناسی	هیات علمی دانشگاه علوم بهزیستی	۲۹ سال
۱۰	زن	کارشناس ارشد روان‌شناسی	عضو معاونت زنان و خانواده ریاست جمهوری	۱۹ سال

تحلیل محتوای مصاحبه‌های انجام شده طی فرایندی منظم و مداوم از مقایسه داده‌ها صورت گرفت. ابتدا محتوای مصاحبه‌ها مرور شده و کلمات یا عبارات خاص مشخص شده و معانی مختلف آن در نظر گرفته شد. در بخش بعد مجدداً به متن برگشته و کلمات و عباراتی که به معنای استخراج شده اشاره داشتند پیگیری شدند. برای تحلیل بیشتر از مصاحبه اول به بعد از فن مقایسه منظم استفاده شد. پس از کدگذاری اولیه، کدهای مشابه و مرتبط تحت عنوان کدگذاری ثانویه دسته‌بندی شدند. سپس کدهای ثانویه مرتبط با هم مفاهیم و مفاهیم مرتبط با هم تحت عنوان مقوله‌بندی اولیه طبقه‌بندی شدند و سرانجام مقوله‌های فرعی مقوله‌های اصلی را شکل دادند. در مواردی که یک کد اولیه در بیش از یک کد ثانویه، مفهوم یا مقوله قرار می‌گرفت، بافت مصاحبه تعیین‌کننده جایگاه آن کد بود. جهت تضمین قابلیت اطمینان و کفایت داده‌ها، کدگذاری‌ها به یکی از شرکت‌کننده‌ها، دو دانشجوی دکتری روان‌شناسی ترم ۸ و ۹ و دو متخصص عضو هیئت علمی دانشگاه ارائه و نظرات آن‌ها در مورد اطمینان و

کفایت داده‌ها پس از بحث و بررسی لحاظ شد.

یافته‌ها

در مرحله کدگذاری ۱۳۸ کد ثانویه به دست آمد. از این تعداد کد ثانویه ۷۹ کد به تغییرات برون زوجی، ۳۱ کد به تغییرات درون زوجی و ۲۸ کد ثانویه به تغییرات فردی اختصاص یافت. کدهای ثانویه بر اساس شباهت مفهومی به ۲۸ مفهوم تقلیل داده شدند. ۱۶ مفهوم در تغییرات برون زوجی، ۴ مفهوم در تغییرات درون زوجی و ۸ مفهوم به تغییرات فردی مربوط به ازدواج اختصاص داده شد. مفاهیم به دست آمده ۸ مقوله فرعی را شکل دادند، ۳ مقوله فرعی در تغییرات برون زوجی، ۲ مقوله فرعی در تغییرات درون زوجی و ۳ مقوله فرعی در تغییرات فردی تعریف شد. مقوله‌های فرعی بر اساس ویژگی‌ها و شباهت‌ها دسته‌بندی شده و ۳ مقوله اصلی تغییرات برون زوجی، درون زوجی و فردی را شکل دادند. شرح تفصیلی کدگذاری در جدول شماره ۲، ۳ و ۴ آمده است.

جدول شماره ۲: تغییرات درون فردی مؤثر در ازدواج از سال ۱۳۵۷ تا ۱۴۰۱

مفهوم	مقوله فرعی	مقوله اصلی
تغییر در الگوی مصرف مواد و الکل، تغییر در نیازها	تمایلات فردی	تغییرات درون فردی
تغییر در هنجار انتخاب همسر، تغییر در انگیزه‌ها، تغییر در سطح دانش زندگی، تغییر در نگرش‌ها	شناخت	
تغییر در گشودگی به تجربه جدید، هویت یابی	شخصیتی	

تغییرات درون فردی مؤثر در ازدواج از سال ۱۳۵۷ تا ۱۴۰۱

ویژگی‌های فردی یکی از عوامل تعیین کننده رفتار اجتماعی فرد در روابط اجتماعی

است. از نظر متخصص‌ها یکی از حیطه‌هایی که تغییر کرده است، ویژگی‌های درون‌فردی است. این ویژگی‌ها در سه دسته تمایلات فردی، شناخت و شخصیت طبقه بندی شد. مصاحبه‌شوندگان در قالب مقوله‌های فرعی و مفاهیم زیر به این مقوله اصلی اشاره کرده‌اند:

تمایلات فردی

اعتیاد یکی از عوامل مختل‌کننده ازدواج محسوب می‌شود. نوع مواد مورد استفاده در شدت آسیب وارده به رابطه زوجی اثرگذار است. امروزه گرایش به مصرف مواد صنعتی به دلیل ارزان‌تر و در دسترس بودن در افراد مصرف‌کننده بیشتر شده و از سوی دیگر نرخ استفاده از مواد مخدر یا محرک هم نسبت به سال‌های گذشته افزایش یافته است، این مواد پیامدهای مخرب‌تری نسبت به مواد سنتی به بار می‌آورند و احتمال طلاق را افزایش می‌دهند. تغییر دیگر در نیازهایی است که تعیین‌کننده رفتار افراد است. میزان شدت و اولویت دهی نیازها از گذشته تا امروز دستخوش تغییرات شده است.

سو مصرف مواد/ دارو/ الکل: «اعتیاد و انواع اعتیادها زیاد شده. اوایل انقلاب بیشتر تریاک می‌کشیدند. افراد تریاکی اگر که خیلی معتاد و بیمار می‌شدند، نمی‌تونست یکی باهاشون زندگی کنه. حالا انواع و اقسام مواد صنعتی زیادتر شده و اصلاً ادامه زندگی رو مختل می‌کنند».

تغییرات در نیازها: «قبلی‌ها ازدواج می‌کردند به خاطر این که نیاز جنسیشون برآورده بشه، تولید مثل کنند؛ اما الان این نیاز صرفاً یک نیاز جنسی نیست، این یک نیاز روانی جنسی هست».

شناخت

شناخت به عنوان فرآیندهای ذهنی، نقش مهمی در تصمیم‌گیری، حل مسئله، انتخاب و ادراک مسائل دارد و می‌تواند رفتار، هیجان و انگیزش انسان را تحت تأثیر قرار

دهد. از نظر متخصص‌ها تغییر در ملاک‌های انتخاب همسر، در انگیزه‌ها، در سطح دانش زندگی، در نگرش‌ها را می‌توان در نظر داشت. در طول زمان مورد مطالعه هرچه از گذشته فاصله گرفته می‌شود کیفیت انتخاب همسر کاهش پیدا می‌کند و ازدواج بر اساس تک‌بعدی‌نگری صورت می‌گیرد. به عنوان مثال، بیشتر افراد برای انتخاب همسر تنها وضعیت اقتصادی و یا تحصیلات و یا زیبایی ظاهری را مورد توجه قرار می‌دهند و نسبت به دیگر ملاک‌ها کمتر توجه می‌کنند. انگیزه شکل‌دهی ازدواج در سال‌های اخیر به دلایل اقتصادی و فرهنگی کاهش و نسل جدید برای گریز از ازدواج بهانه‌جویی می‌کند. وقتی افراد با مسائلی نظیر مسائل اقتصادی مواجه می‌شوند و از سوی دیگر گزینه‌های جایگزین ازدواج را برای ارضای نیازهای خود پیش رو دارند، انگیزه آن‌ها برای ازدواج کردن کاهش پیدا می‌کند. در نسل‌های جدید شناخت مربوط به ازدواج تغییر کرده است. زوج‌ها نسبت به خودشان در موقعیت ازدواج آگاهی کافی ندارند. زوج‌ها آموزش‌هایی را که از اجتماع و خانواده دریافت می‌کردند را دریافت نمی‌کنند، بنابراین مهارت‌های گفتگو، حل مسئله، برنامه‌ریزی کمتری دارند. مفهوم ازدواج نیز تغییر کرده است. در گذشته نگاه افراد به ازدواج به عنوان یک امر مقدس و مورد تأیید اجتماع و فرهنگ بود که می‌توانست به عنوان یک هدف مطرح شود اما در نگاه نسل‌های جدید ازدواج به عنوان یک ابزار برای رسیدن به اهداف تعریف شده است. در حال حاضر ارزش‌های فردی جایگزین ارزش‌های خانوادگی و ازدواج شده است و این موضوع در پذیرش محدودیت‌ها و تعهدات ازدواج تأثیر منفی گذاشته است.

تغییر در انتخاب همسر: «فرایند انتخاب همسر در این دوره، تابع شرایط اجتماعی، اقتصادی، فضای مجازی و فرهنگ قرار گرفته و فکر می‌کنم انتخاب‌ها بدتر شده».

تغییرات انگیزشی: «پدر داماد می‌گفت یک شب عروسی ۷۰۰ میلیون در آمده برام.

منی که می‌خواهم ازدواج بکنم، جای خوبم می‌خواهم. بعد انگیزه‌ها میاد پایین».

تغییر در سطح دانش زندگی: «دیگه شما خودتم اگر نشناسی چه جووری می‌تونی یک

زندگی داشته باشی که رضایت داشته باشی».

تغییرات در نگرش افراد به ازدواج: «تو سند ازدواج، زن یک تعهد داره، باید بماند. مرد

باید نفقه بده، مهر بده. هیچ کدوم از این‌ها رو نمی‌پذیره. درحقیقت الگوی ازدواج داره سست میشه. چرا؟ چون ازدواج رو پر هزینه می‌بینه و منافع موقت فردی داره جایگزین میشه».

شخصیت

ازدواج از لحظه شکل‌گیری تا فروپاشی تحت تأثیر ویژگی‌های شخصیتی زوج قرار دارد. عوامل شخصیتی و چگونگی پاسخ فرد به کیستی خود در روابط اجتماعی تعیین‌کننده سرنوشت و کیفیت ازدواج است. نسل‌های جدید دچار یک آشفتگی یا فقدان هویت هستند و این می‌تواند ازدواج آن‌ها را در معرض آسیب قرار دهد. افزایش تنوع طلبی، هیجان‌طلبی و جستجوی لذت‌های آنی و لذت‌طلبی افراطی از تغییراتی است که در این سال‌ها در افراد به وجود آمده و در ازدواج‌ها اثر گذاشته است. تغییر در گشودگی به تجربه: «ما می‌بینیم که هر چی زمان پیش اومد جوان‌ها به سمت تنوع خواهی پیش رفتند». هویت فرد: «جوان ما امروز خسته از افراط و تفریط‌ها است و رسیده به یک بی‌هویتی و سردرگمی. نمیدونه از زندگی چی می‌خواهد».

جدول شماره ۲. تغییرات بین زوجی مؤثر در ازدواج از سال ۱۳۵۷ تا ۱۴۰۱

مفهوم	مقوله فرعی	مقوله اصلی
تغییر در طبیعت رابطه، تغییر در روابط	تغییرات رابطه‌ای	تغییرات بین زوجی
بین‌جنسی		
تغییر در وفاداری به ازدواج، تغییر در	پایبندی به تعهدات	
مسئولیت‌پذیری نسبت به تعهدات		

تغییرات بین زوجی ازدواج از سال ۱۳۵۷ تا ۱۴۰۱

می‌توان ازدواج را متشکل از دو فرد و یک رابطه دانست. از نگاه متخصص‌ها علاوه بر عوامل فردی، رابطه و مناسبات بین زوجی دیگر عاملی است که از سال ۱۳۵۷ تا

۱۴۰۱ تغییر یافته است. داده‌ها نشان داد می‌توان تغییرات ازدواج را به تغییرات رابطه‌ای و میزان پایبندی به تعهدات بین زوج‌ها تقسیم کرد. داده‌های مربوط به این مقوله را می‌توان به صورت زیر تبیین کرد:

تغییرات رابطه‌ای

رابطه بین زوج‌ها یکی از مهمترین بخش‌های ازدواج است. از نگاه متخصص‌ها طبیعت رابطه تغییرات عمده‌ای را تجربه کرده است. تغییر در کارکرد ازدواج، کاهش نقش تکاملی، هویت بخشی ازدواج، هزینه بر شدن ازدواج، کاهش نیاز به ازدواج برای ارضای نیازهای عاطفی، تغییر در اهداف شکل‌دهی رابطه و کاهش اهداف متعالی و افزایش اهداف سطحی، ناکارآمدی عناصر شکل‌دهنده رابطه، بی‌قاعدگی شدن ازدواج، کاهش نقش‌های سنتی نسبت به نقش‌های مدرن، ماشینی شدن رابطه بین زوج از جمله تغییراتی است که در ذات ازدواج توسط متخصصان ازدواج مشاهده شده است. مناسبات بین جنسیت مرد و زن‌ها نیز دچار تغییر شده است. از نظر متخصص‌ها در طول مدت مورد مطالعه، زن‌ها میل بیشتری برای برخورداری از یک زندگی مشارکتی پیدا کرده‌اند، درهم‌آمیزی اجتماعی آن‌ها بیشتر شده و این موضوع باعث شده نسبت تعاملات بین زوج به تعامل آن‌ها با افراد دیگر کاهش پیدا کند. از سوی دیگر با افزایش تعاملات اجتماعی، تعاملات بین جنسی و رابطه جنسی قبل از ازدواج نیز افزایش یافته و این موضوع نیز تأثیر قابل توجهی در ازدواج گذاشته است.

تغییر در طبیعت رابطه: «هرچقدر که می‌ایم جلوتر نرخ طلاق و جدایی داره افزایش پیدا می‌کنه و ازدواج به رابطه‌های قبل از ازدواج تبدیل میشه».

تغییر در روابط بین دو جنس: «زنان ما خانه‌دار صرفاً نیستند، شاغل شدند. همین بیرون آمدن و درهم‌آمیزی یک واقعیه. ما بهترین ماه‌های سال و توی روز بهترین ساعات روز رو سرکاریم من این قدر که همکار مردم رو می‌بینم همسر رو نمی‌بینم».

پایبندی به تعهدات

تغییر دیگر مشاهده شده در این پژوهش، در میزان متعهد بودن زوج‌ها به یکدیگر و به رابطه زوجی شان است. در سال‌های اخیر میزان وفاداری زوج‌ها نسبت به یکدیگر کاهش و روابط موازی و بی‌وفایی گسترش پیدا کرده است. علاوه بر این نرخ بی‌وفایی در زنان متأهل افزایش یافته. همچنین در حال حاضر زوج‌ها نسبت به گذشته تعهدات کمتری در رابطه با مسئولیت‌های خود در ازدواج می‌پذیرند. استقلال و برخورداری از آزادی فردی افزایش یافته اما مسئولیت‌پذیری هم تراز با آن رشد نکرده و نسل جوان کمتر مسئولیت ازدواج را می‌پذیرد و کمتر خود را نسبت به آن مسئولیت‌ها متعهد می‌داند.

بی‌وفایی: «قبلاً مردها دست بالاتر را داشتند. الان زن‌ها می‌کنند اگر خیانت دیدی، خیانت متقابل بکن و یک مسئله جاافتاده است در جامعه ما»

تعهد نسبت به مسئولیت‌ها: «چی زمان پیش اومد جوان‌ها به سمت تنوع خواهی و به سمت هیجان‌های زودگذر اومدند و نتیجه همه این‌ها فاصله گرفتن از تعهد و فرار از مسئولیت‌پذیری بود».

جدول شماره ۳. تغییرات برون زوجی مؤثر در ازدواج از سال ۱۳۵۷ تا ۱۴۰۱

مفهوم	مقوله فرعی	مقوله اصلی
تغییرات نقش‌ها، تغییر در پدیده طلاق، تغییر در اثرگذاری جامعه، تغییر در آموزه‌های اجتماعی، تغییرات رسانه‌ها و فناوری‌ها، تغییرات سطح آگاهی جامعه، تغییر در ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، تفاوت در تجارب اجتماعی، تغییرات سیاسی، تغییرات اقتصادی	اقتصادی، اجتماعی و سیاسی	تغییرات برون زوجی
نوگرایی، آمیختگی فرهنگی، تغییر در نگرش‌های فرهنگی، تغییرات مذهبی	فرهنگ	
تغییر اثر خانواده گسترده، تغییر اثر دوستان و آشنایان	شبکه اجتماعی زوج	

تغییرات برون زوجی مؤثر در ازدواج از سال ۱۳۵۲ تا ۱۴۰۱

از نگاه متخصص‌ها بیشترین تغییرات در حوزه عوامل برون زوجی رخ داده است. این عوامل اگرچه در ظاهر خارج از ازدواج قرار دارند اما تأثیر غیر قابل انکاری در ازدواج دارند. این تغییرات را می‌توان در سه مقوله فرعی: اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، فرهنگ و شبکه اجتماعی زوج قرار داد. در ادامه مفاهیم شکل دهنده این مقوله‌ها معرفی شده‌اند.

تغییرات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی

در طول مدت مورد مطالعه، ایران تغییرات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی همگام با دیگر کشورها تجربه کرده است. سرعت و شدت تغییرات به گونه‌ای بوده است که فرصت سازگاری افراد جامعه و پدیده‌های اجتماعی نظیر ازدواج از بین رفته است. انتظار از نقش‌های زن و مرد، در این مدت تغییرات زیادی داشته است. این تغییرات با عدم آموزش متناسب با نقش‌ها همراه شده است، در نتیجه باعث ایجاد آشفتگی نقش‌های زن و مرد در ازدواج شده است. تغییراتی در نسبت طلاق رسمی و طلاق عاطفی، نرخ روابط زوجی موفق و نرخ طلاق رسمی به وجود آمده است سهل‌الوصول‌تر شده است. به طوری که وجود فرزند هم نمی‌تواند در تصمیم زوج‌ها برای طلاق اثر زیادی داشته باشد.

جامعه به عنوان عامل محافظت‌کننده و ضامن سلامت ازدواج به تدریج اثرگذاری خود را از دست داده است. در گذشته فشار اجتماعی برای تشکیل خانواده به زن و مرد وارد می‌شد، عوامل اجتماعی حتی اگر به ظاهر مخرب بودند (مثلاً: ازدواج اجباری) اما اثرگذار بودند. در نسل‌های جدید اثرگذاری عوامل اجتماعی کم‌رنگ شده است. از سوی دیگر کنترل‌های اجتماعی مؤثر در ازدواج نیز تغییراتی را تجربه کرده است. جامعه به عنوان یک بستر آموزش دهنده ازدواج چندان مؤثر نیست و یا آموزش‌های نادرست ارائه می‌کند؛ مانند ترغیب زوج‌ها به تجمل‌گرایی. اثرات منفی عامل رسانه به سرعت گسترده،

پیشرفته و مؤثرتر از قبل شده است. از فرصت‌های رسانه‌ای، حتی در رسانه‌های داخلی، کمتر استفاده شده و رسانه‌ها به تهدید تبدیل شده‌اند.

تغییر دیگر در سطح آگاهی جامعه و مخصوصاً زن‌ها رخ داده است. در طول این سال‌ها سطح تحصیلات بالا رفته، تعداد دانشگاه‌ها افزایش یافته و این موضوع در کنار گسترش رسانه‌ها باعث شده، دانش و آگاهی‌های مربوط به ازدواج و حقوق فردی در زمینه‌های مختلف آن و به طور خاص در زن‌ها افزایش یابد. با وجود اهمیت افزایش سطح آگاهی جامعه، کاربرد منفی این موضوع، تقاضای طلاق را بالا برده است. جامعه تغییرات جمعیت شناختی متعددی را نیز تجربه کرده است. در مدت مورد مطالعه نرخ زنان شاغل و ثبات شغلی آن‌ها بیشتر شده، همچنین سطح تحصیلات و آگاهی خانم‌ها نیز بیشتر شده است. افزایش سطح تحصیلات با افزایش سن ازدواج و افزایش سن زوج‌ها هنگام طلاق همراه شده است. تغییرات این ویژگی‌های جمعیت شناختی در جامعه تأثیرات مهمی در ازدواج گذاشته است.

تغییرات سریع اجتماعی باعث شده است افراد تجارب متفاوتی در جامعه داشته باشند. در این مدت تنش‌های اجتماعی افزایش یافته، تجربه انقلاب، جنگ و پیامدهای آن‌ها، کاهش سرمایه اجتماعی، پیچیده‌تر شدن مسائل اجتماعی، افزایش سرعت تغییرات اجتماعی در سال‌های اخیر و بی‌نظمی‌های اجتماعی موجود باعث شده، ازدواج تحت تأثیر قرار بگیرد. در طول این مدت ازدواج پیوسته تحت تأثیر سیاست‌های مخرب فرهنگی اتخاذ شده، غفلت فرهنگی مسئولین، تحلیل‌های نادرست از ازدواج، ایجاد دوقطبی‌های اجتماعی، رها شدن جوان‌ها در میان دعوای سیاسی، دشمن‌تراشی‌های سیاسی بی‌مورد، هدف‌گیری ازدواج توسط دشمنان خارجی، تغذیه رسانه‌ها توسط دشمنان، ارائه الگوهای مصرف‌گرایانه توسط مسئولین سیاسی مدعی ساده‌زیستی، افزایش بدبینی به سیاست‌گذاران و تغییر در اولویت‌بندی‌های سیاسی قرار داشته و آسیب دیده است. ازدواج تحت تأثیر تغییرات اقتصادی نیز قرار گرفته است.

تغییراتی نظیر افزایش بیکاری، کاهش فرصت‌های شغلی، فقر، برتری اقتصادی خانم‌ها نسبت به آقایان، استقلال مالی خانم‌ها، انتظارات اقتصادی غلط در خانواده‌ها، ارائه الگوهای استقبال از مال نامشروع و بی‌ثباتی اقتصادی تجربه شده است و باعث ایجاد تغییراتی در ازدواج شده است.

تغییرات نقش: «در واقع اون انتظارات از نقش که در گذشته وجود داشت، آرام آرام تغییر کرده.»

تغییر در پدیده طلاق: «شاید مذموم بودن طلاق باعث می‌شد که ما طلاق‌های عاطفی بیشتری رو تجربه کنیم در خانواده‌ها اما الان طلاق‌های رسمی افزایش پیدا کرده.»
تغییر در اثرگذاری جامعه: «جامعه حال تحول داره. اصلاً از نظر اجتماعی یک سری کنترل هاش دگرگون میشه. اینجا این نکته مهمه، معمولاً هم افراد وقتی می‌خواهند کاری بکنند نگاه به آینه اجتماعی دارند.»

تغییر در آموزه‌های اجتماعی: «با این که سادگی زندگی، مسائل دیگه به طور مداوم آموزش داده میشه در محیط عمومی، خانواده‌ها اصلاً هیچ نوع تأثیری نمی‌پذیرند.»

تغییرات رسانه‌ها: «اینجا همه رو نسبت میدند به شبکه‌های خارجی، ولی من می‌خواهم بگم که خود رسانه‌های داخلی مون اگر نخواهیم بگیریم بیشتر، کمتر از اون‌ها هم تو این رابطه دخیل نبودند.»

تغییرات سطح آگاهی جامعه: «الان به سبب افزایش اطلاعات و آگاهی‌ها و دانش‌ها که بخشیش کار رسانه است. بخشیش هم افزایش سواد عمومی جامعه است، باعث شده افراد بیشتر سراغ طلاق برن.»

تغییر در ویژگی جمعیت شناختی: «سن ازدواج بالا رفته به تبع اون سن طلاق هم افزایش یافته. قبلاً شما یک آدم نمی‌دیدید که فرزنداش بزرگ شده باشند بعد از هم جدا بشند.»

تفاوت در تجربه اجتماعی: «اگر کلان جامعه رو ببینیم، افزایش تنش‌های

روانی و اجتماعی رو باید لحاظ بکنیم و در کنار این‌ها افزایش فشارهای اقتصادی رو بدبینی به سردمداران جامعه و کاهش سرمایه اجتماعی در ابعاد کلان‌نگر و میانه و خرد یک مقوله بسیار مهم دیگه است».

تغییرات سیاسی: «جامعه مون رو دو قطبی کردیم، همدیگر رو یک واحد منسجم نمی‌بینیم. جوان ما امروز خسته از افراط و تفریط‌هاست و می‌خواهد خودش رو از این افراط و تفریط‌ها از این انگ‌ها جدا بکنه رسیده به یک بی‌هویتی و سردرگمی. افتاده توی دست به دست شدن فضاها می‌جازی که بیگانگان تغذیه اش می‌کنند».

تغییرات اقتصادی: «مسائل اقتصادی هم که هی بدتر و بدتر شده. یک مقدار زیادی جوان‌های ما شغل ندارند. موقعی که شما وضعیت اقتصادی نداشته باشی ثبات نداشته باشی پس شما نمی‌تونید یک زندگی رو اداره بکنی».

فرهنگ

همگام با تغییرات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی تغییرات فرهنگی نیز رخ داده است. در طول مدت مورد مطالعه جامعه از یک نگاه غالب سنتی به سمت نوگرایی حرکت کرده است. مهاجرت، افزایش نفوذ رسانه‌ها و تعاملات گسترده بین فرهنگی در طول مدت مورد مطالعه باعث ایجاد یک آمیختگی فرهنگی شده است. نگرش فرهنگ حاکم از ابتدای دوره مورد مطالعه به ارزش‌ها، مفاهیم و مؤلفه‌های ازدواج از قبیل ارزش‌های انسانی، ارزش‌های معنوی، گرایش به شکل‌دهی ازدواج، کاربرد محل سکونت، مفهوم ازدواج، مفهوم طلاق، ارزش فرزندآوری، ارزش فرهنگ، ارزش‌های مادی دارای تغییراتی بوده است. این تغییرات در وضعیت کنونی ازدواج بی‌تأثیر نیست. اثرگذاری مذهب که یک محافظ اثرگذار در روابط زوجی است، چالش‌هایی را تجربه می‌کند. در طول سال‌های مورد مطالعه میزان اعتقاد و پایبندی به مذهب و شریعات دستخوش تغییراتی شده است. در طول زمان یاد شده فرهنگ حاکم بر خانواده گسترده، استحکام و قدرت حمایت‌شان کاهش یافته، سطح و نوع مداخلات‌شان در ازدواج فرزندشان تغییر

کرده و نگرش متفاوتی نسبت به پدیده ازدواج پیدا کرده‌اند. در گذشته خانواده‌های گسترده از سبک فرزندپروری فرزند سالار (سهل‌گیرانه) کمتر استفاده می‌کردند. به آموزه‌های اجتماعی اعتماد بیشتری داشتند، از فرهنگ بیشتر اثر می‌پذیرفتند، در رابطه با فرزندشان کمتر به لذت جویی اهمیت می‌دادند و در کل نقش مثبت بیشتری در زندگی فرزندشان ایفا می‌کردند. به نظر می‌رسد ازدواج در برابر اثرپذیری از اطرافیان زوج مقاوم شده است؛ اما در برابر گروه دوستان نفوذپذیرتر شده. نقش ریش سفیدها تقریباً از بین رفته و جای خود را به نهادهای اجتماعی داده و در همین حال افزایش اثرگذاری منفی گروه دوستان قابل مشاهده است.

نوگرایی: «اونچیزی که در فرهنگ قدیم و فرهنگ نوگرایی مشاهده می‌کنیم، تحت تأثیر شرایط فرهنگ دینی اقتصادی و اجتماعی تغییر کرده».

درآمیختگی فرهنگی: «تجربه تبدیل شدن به دهکده جهانی، تجربه‌ای بوده که در کل دنیا تأثیر گذاشته و به تبع اون در جامعه ما هم تأثیرگذار بوده در تصمیم‌گیری‌ها و در تداوم زندگی‌های مشترک».

تغییر در نگرش‌های فرهنگی: «وقتی قرار شد فقط یک فضای عاطفی و احساسی باشه و از اون طرف هم تو فضای عاطفی و احساسی یک تنوع طلبی هم بود، همه این‌ها یک ازدواج‌گزینی رو خودبه‌خود ایجاد کرد».

تغییرات مذهبی: «ارزش‌های انسانی الهی عرفانی به طبع اوج گرفته بود خیلی کاهش پیدا کرده. در کنار این کاهش ارزش‌های معنوی که با مدعیان دروغین دین و دیانت هم منزوی‌تر شدند افزایش».

تغییر اثر خانواده گسترده: «به نظر من سخت‌گیری‌های خانواده و تعصبی بودن یک سری از خانواده‌ها خیلی می‌تونست تو ازدواج‌های اجباری تأثیر بگذاره. شکل‌گیری و تداوم خیلی از ازدواج‌ها در اثر تحکم و سخت‌گیری‌های خانواده بوده».

تغییر میزان اثر دوستان و آشنایان: «در دهه‌های ابتدایی بعد از انقلاب خود ما، داشتیم

نقش بزرگان خانواده رو در حل اختلاف‌ها. این‌ها کمک می‌کردن در حل مسئله ما نقش روحانیون و مذهبیون رو داشتیم که در مساجد کار شورای حل اختلاف رو واقعاً انجام می‌دادن، الان دیگه خیلی کم‌رنگ شده».

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر باهدف دستیابی به تغییرات عوامل مؤثر ازدواج از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۴۰۱ از نگاه متخصصین انجام گرفت. با نگاهی به تحلیل داده‌ها می‌توان چنین بحث کرد:

در تغییرات فردی مؤثر در ازدواج، سو مصرف مواد/ دارو / الکل، نیازها، انتخاب همسر، انگیزشی، سطح دانش زندگی، نگرش افراد، گشودگی به تجربه جدید، هویت فرد از جمله عواملی هستند که دچار تغییر و تحول شده‌اند. در سال‌های اخیر متأثر از ظهور فردگرایی، ارزش‌های خانواده دچار دگرگونی شده است، همچنین با بالا رفتن سطح دانش سطح فردگرایی افراد نیز بالا رفته است (عظیمی هاشمی، اعظم کاری، بی‌گناه و رضا منش، ۱۳۹۴؛ بالا خانی و ملکی، ۱۳۹۶).

از نظر متخصصین، اعتیاد احتمال طلاق را افزایش می‌دهد و در سال‌های مورد پژوهش مسئله سوء مصرف مواد و الکل به تدریج گسترده و متنوع‌تر شده است. این نظرات با پژوهش‌های درتاج (۱۳۸۹) و اسکندری (۱۳۸۹) همخوان است. افزایش گرایش به مصرف مواد صنعتی با پیامدهای آسیب‌زای فراوان و محبوبیت بیشتر نسبت به مواد سنتی، پایین آمدن سن سوء مصرف مواد، دارو و الکل، گسترش سوء مصرف مواد، دارو و الکل در زن‌ها باعث اختلال در شکل‌گیری هویت، شخصیت، سلامت روان و جسم شده است. در نتیجه وضعیت ازدواج را دگرگون کرده‌اند.

یافته‌ها نشان می‌دهند، نسل‌های جدید با زیاده‌خواهی در نیازها، ارضای آن‌ها و

همچنین تغییر در اولویت بندی آنها مواجه هستند. در گذشته نیاز به همخوانی عقیدتی و سیاسی بیشتر مورد توجه بود اما به مرور زمان نیازهای مادی، لذت طلبی در اولویت قرار گرفتند. در گذشته افراد بر اساس نیازهای جنسی و فرزندآوری خود وارد رابطه می شدند، با فراهم شدن امکان برقراری رابطه جنسی در خارج از ازدواج، دیگر اجباری برای ارضای این نیاز در چهارچوب ازدواج احساس نمی کنند، در این حالت نیازهای دیگر از قبیل تجربه عشق، رشد اقتصادی و دستیابی به موقعیت اجتماعی در اولویت قرار گرفته است و این نیازها نسبت به نسل های گذشته از تعالی کمتری برخوردار هستند.. از سوی دیگر تنوع در نیازها می تواند باعث عدم همخوانی نیازهای زوج ها در یک ازدواج شود.

نتایج این پژوهش پیشنهاد می کند، نگرش و سبک تفکر در انتخاب همسر در نسل های جدید مبتنی بر تک بعدی نگری در مورد مسائل عاطفی، جذابیت های ظاهری یا اقتصادی و یا دستیابی به موقعیت های اجتماعی شده است. بر همین اساس ازدواج با کاهش کیفیت انتخاب مواجه شده است. این موضوع در پژوهش عاملی رضایی (۱۳۹۶) نیز مورد تأیید قرار گرفته است. بررسی تجربه افراد متقاضی طلاق هم نشان می دهد، ملاک های سهل گیرانه و مبتنی بر احساسات و مزایای مادی، در وضعیت ازدواج آن ها مؤثر بوده است (حاتمی کیا، شریعتمدار و نعیمی، ۱۴۰۱).

همچنین یافته ها نشان می دهند، نسل های جدید برای گریز از مسئولیت های ازدواج و ارضای نیازهای فردی بر اساس تنوع طلبی، بهانه جویی می کنند. بهانه گیری هایی نظیر نداشتن آمادگی روانی، نرسیدن به نقطه اقتصادی ایده آل از جمله مواردی هستند که نسل های جدید برای اجتناب از ازدواج و مسئولیت ها و تعهدات آن مطرح می کنند. از سوی دیگر تغییرات منجر به تجمل گرایی و سخت شدن شرایط اقتصادی برای زن و مردهایی که در سال های اخیر قصد شکل دهی ازدواج داشتند و همچنین مشاهده

تأثیرات منفی فرهنگی و اقتصادی مختل کننده رابطه زوج‌های آشنا، انگیزه زن و مردها را برای شکل دهی ازدواج به تدریج کاهش داده است. مهیا بودن شرایط ارضای نیازها خارج از چهارچوب زوجی هم در این کاهش انگیزش بی‌اثر نبوده است. بررسی فرایندهای شناختی زن و مرد در نسل‌های جدید از منظر متخصصین نشان می‌دهد، در سال‌های اخیر افراد پس از رسیدن به سن ازدواج، همچنان فردمحور باقی مانده و ازدواج را نیز در راستای ارضای انگیزه‌های فردی به کار می‌گیرند. در مدت مورد پژوهش نرخ تجرد در میان هر دو زوج افزایش یافته است، نرخ تجرد قطعی مخصوصاً در زن‌ها بیشتر شده و سن ازدواج نیز افزایش یافته است (سرایبی و او جاقلو، ۱۳۹۲؛ رحیمی، کاظمی پور و رازقی نصرآباد، ۱۳۹۵).

این پژوهش نشان داد، با کاهش نرخ ازدواج و کوچک شدن خانواده‌های گسترده زوج‌ها پیش از ازدواج فرصت شناخت تجربی ازدواج و الگوبرداری از رابطه‌های موفق دیگران را نیز از دست داده‌اند. از سوی دیگر برنامه مدون و منظم آموزشی نیز برای زوج‌ها طراحی نشد که جایگزین آموزش‌های تجربی خانوادگی و اجتماعی شود؛ بنابراین زوج‌ها در سال‌های اخیر بدون برخورداری از مهارت‌های مؤثر در ازدواج، ازدواج خود را شکل می‌دهند. این مسئله باعث می‌شود به خودشان، شریک رابطه و ازدواج آسیب بزنند.

بر اساس یافته‌های این پژوهش، به تدریج هر چه از سال‌های ابتدایی مورد پژوهش فاصله گرفته شد عامل وجدان در شخصیت افراد کاهش یافته، میزان بی‌ثباتی هیجانی افزایش یافته و افراد میل زیادی برای تجربه لذت‌های آنی و متنوع پیدا کرده‌اند. این تغییرات با ویژگی‌های مورد نیاز ازدواج مانند مسئولیت‌پذیری، تعهد، ثبات هیجانی همخوان نیست. همچنین، سبک هویت فرد نقش تأثیرگذاری در ازدواج و نگرش او در مورد ازدواج دارد (ریحانی، سلیمانیان و نظیفی، ۱۳۹۵). در سال‌های اخیر ازدواج با یک

بی هویتی و سردرگمی ناشی از غفلت خانواده‌ها و مسئولین تصمیم‌گیرنده مواجه شده است. وقتی افراد دارای یک هویت محقق و شفاف نباشند، احتمال دستیابی به یک هویت زوجی منسجم و مشخص نیز دور از تصور است. این فقدان هویت یا برخورداری از هویت آشفته در بخش شکل‌دهی رابطه، فرد را دچار سردرگمی در میان انتخاب زندگی متأهلی و مجردی می‌کند. شکل‌گیری بر اساس فقدان هویت و یا آشفته‌گی آن می‌تواند تداوم رابطه را دچار اختلال کند. افراد فاقد هویت و یا دارای هویت آشفته در طول ازدواج ممکن است بارها در خواسته‌ها، اهداف و مسیر زندگی خود و ازدواج‌شان بر اساس تغییرات درونی خود، تغییر ایجاد کنند و ازدواج را به سمت بی‌ثباتی هدایت کنند. تفاوت‌های بین نسلی و هویت‌یابی متمایز در میان نسل‌های مختلف در حیطه‌های تعریف نقش، هویت‌پذیری، انگیزه فعالیت و کار، معیارهای همسرگزینی، انتظار از نقش‌های زناشویی و آرمان‌گرایی و مسئولیت‌پذیری اثر گذاشته است (پور دهقان، منصور و باقری، ۱۳۹۵؛ احمدنیا، شرافت و تقی‌خان، ۱۳۹۶).

در بخش تغییرات بین زوجی مؤثر در ازدواج نیز تغییراتی در طبیعت رابطه، روابط بین جنسی، بی‌وفایی، تعهد نسبت به مسئولیت‌ها از سوی متخصصین گزارش شده است. یافته‌ها نشان می‌دهند، در این سال‌ها روابط زوجی به سمت تصنعی شدن و تغییر در رویکرد تعویض رابطه به جای ترمیم رابطه در حرکت بوده است (گنجی، موسوی و واحدیان، ۱۴۰۰). ازدواج در سال‌های ابتدایی مورد پژوهش، تکامل بخش و هویت بخش بود. مسائل عاطفی در شکل‌دهی رابطه کم‌اثرتر بوده، عناصر تأثیرگذار اجتماعی و خانوادگی نسبت به زمان حال تأثیر بیشتری در ازدواج داشتند، نقش‌های سنتی نسبت به نقش‌های مدرن وضوح بیشتری داشتند، به واسطه تجارب اجتماعی عشق در راستای عشق الهی فراوانی بیشتری داشت و ایثار در ازدواج از عناصر مهم محسوب می‌شد.

ارزیابی سود و زیان نقش مهمی در نگرش مدرن به ازدواج دارد (نیکخواه، فانی و اصغرپور ماسوله، ۱۳۹۶) و نتیجه آن غلبه ازدواج‌های سوداگرانه در سال‌های اخیر است. رابطه‌های زوجی در حال حاضر هزینه‌های اجتماعی، قانونی، اقتصادی زیادی به زن و مرد وارد می‌کنند، ازدواج برای نسل‌های جدید تنها راه ارضای نیازهای فردی نیست، رابطه‌های زوجی با اهداف سطح پایین‌تری شکل می‌گیرند، اغلب فاقد یک چهارچوب منظم هستند، رابطه‌های نوپدیدي مانند هم‌خانگی و ازدواج سفید و دیگر انواع روابط خارج از چهارچوب ازدواج به طور نسبی افزایش داشته‌اند، روابط زوجی شکل ماشینی پیدا کرده‌اند. هر یک از این عوامل به‌تنهایی تغییراتی را در ازدواج ایجاد کرده است.

بر اساس یافته‌های این پژوهش، احتمالاً نسبت به گذشته زن‌ها میل بیشتری برای برخورداری از زندگی اشتراکی در زمینه‌های مختلف پیدا کرده‌اند. در این رابطه جنبش‌های فمینیستی هم مفهوم روابط بین زن و مرد را تغییر داده و به طور مستقیم و غیرمستقیم ازدواج را دگرگون کرده‌اند (قانی‌زاده باقی و ورمز یار، ۲۰۲۱). حضور اجتماعی و درهم‌آمیزی اجتماعی زن‌ها افزایش یافته است. در حالی که تماس اجتماعی با جنس مخالف افزایش یافته است تماس بین زوجی کاهش یافته است. علاوه بر این، میزان تجربه رابطه بین جنسی در میان زنان و مردها پیش از شکل‌دهی ازدواج افزایش و سن تجربه رابطه بین جنسی کاهش یافته است.

بی‌وفایی در نسل‌های اخیر بنا به دلایل متعدد از جمله حضور عوامل تسهیل‌کننده اجتماعی نظیر وجود فضای مجازی شیوع افزایشی داشته است (شیردل و بواله‌ری، ۱۴۰۰). در مدت موردنظر پژوهش میزان شکل‌دهی رابطه موازی در میان زوج‌ها از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۴۰۱ یک‌روند افزایشی را نشان می‌دهد. زوج‌ها در این مدت نسبت به

یکدیگر و نسبت به ازدواج کمتر متعهد شده‌اند. تغییر دیگر، افزایش نرخ بی‌وفایی در میان زن‌ها است. زن‌ها نسبت به گذشته کمتر متعهد هستند و با نگاهی به بی‌وفایی مردها، اقدام متقابل را حق خود می‌دانند و یا قبح کمتری برای بی‌وفایی قائل می‌شوند. یافته‌ها پیشنهاد می‌کنند، زوج‌ها برای تداوم ازدواج خود نسبت به گذشته تلاش کمتری می‌کنند، احساس آزادی، استقلال و فردیت بیشتر و احساس مسئولیت کمتری دارند. کاهش حس مسئولیت‌پذیری در میان نسل‌های جدید موجب شده است که زن‌ها و مردها از شکل دهی ازدواج رسمی و شرعی رو برگردانند و در صورت شکل دهی رابطه تعهدات کمتری را به عهده گیرند. در نسل‌های اخیر نیازهای جنسی و اجتماعی درهم آمیخته‌اند، این درهم آمیختگی تداوم روابط خارج از چهارچوب ازدواج را فراهم می‌کند (یوسفی، کاظمی یزدی و غنی‌زاده، ۱۳۹۸؛ بنی‌جمالی و صادقی فسایی، ۱۳۹۹).

علاوه بر موارد فوق الذکر، این پژوهش نشان داد، عوامل برون زوجهی مؤثر در ازدواج از سال ۱۳۵۷ تا ۱۴۰۱ تغییراتی را تجربه کرده است. ابهام در نقش‌های جنسیتی و مشخص نبودن مرزها از عوامل تنش در خانواده‌ها است (نعمتی، جان بزرگی و صفورایی، ۱۴۰۰).

در سال‌های اخیر احساس برابری جنسیتی و استقلال و آزادی عمل بیشتر، تغییر نگرش به نقش‌های جنسیتی الگوهای نامتعارفی از رابطه را که در گذشته مرسوم نبوده‌اند به وجود آورده‌اند (زاهدی اصل، فتحی و محمدزاده، ۱۴۰۰). از سال ۱۳۵۷ به بعد انتظاراتی که از نقش زن و مرد می‌رود به تدریج از وضوح انتظارات نقش به ابهام در انتظارات نقش در سال ۱۴۰۱ رسیده است. درحالی‌که در گذشته انتظارات نقش از زن و مرد واضح و شفاف بود و مسئولیت‌ها و حقوق هر یک از زوج‌ها در ازدواج‌شان مشخص بود.

نتایج این پژوهش نشان داد، در سال‌های اخیر زوج‌ها راحت‌تر نسبت به طلاق اقدام می‌کنند. به‌عنوان مثال از سال ۱۳۷۱ طلاق توافقی به‌صورت قانون در حوزه طلاق اجرا

شده و از لحاظ فراوانی با سرعت قابل توجهی از طلاق‌های غیر توافقی پیشی گرفته است (ساروخانی و قاسمی، ۱۳۹۱). در گذشته به دلیل مذموم بودن پدیده طلاق ازدواج بیشتر با طلاق عاطفی مواجه می‌شد؛ اما امروزه به دلیل تغییرات گسترده‌ای که در زمینه پدیده طلاق رخ داده، نسبت طلاق رسمی نسبت به طلاق عاطفی افزایش یافته است. در گذشته نابرابری قدرت یکی از دلایل عمده طلاق عاطفی بود و با برقراری نسبی توازن قدرت در روابط، طلاق رسمی نسبت به طلاق عاطفی افزایش یافته است (نایی و نظریان، ۱۴۰۰). زوج‌ها امروزه کنترل اجتماعی کمتری را در این زمینه احساس می‌کنند و بین کنترل اجتماعی و طلاق رابطه معکوس وجود دارد (محمدی، ۱۴۰۰)، نسبت به حق و حقوق خود آگاه‌تر شده‌اند و فضای رسانه‌ای جامعه پدیده طلاق را عادی‌سازی کرده است. به طوری که وجود فرزندان که در گذشته عاملی برای جلوگیری از طلاق محسوب می‌شد امروزه چنین کارکردی ندارد (بگی و حسینی، ۱۴۰۰). از سوی دیگر نسبت الگوهای زندگی زوجی موفق کاهش یافته و در عوض الگوهای روابط شکست خورده به وفور در اختیار مردان و زنان قرار می‌گیرد. پژوهش‌ها نیز نشان می‌دهند هر گونه نقص در ساختار خانواده بر زندگی زوجی فرزندان اثر منفی می‌گذارد و آن‌ها را مستعد تکرار طلاق والدین در زندگی زوجی خود می‌کند (قاسمی ارگنه، اعتمادی و فاتحی‌زاده، ۱۴۰۱). در این میان استفاده از راهکارهای حقوقی در افزایش نرخ طلاق نقش تسهیلگر دارد. به طور کلی پدیده طلاق در میان نسل جدید مذموم و ناپسند نیست (فلاحی گیلان، روشنفکر و پور کسمایی، ۱۳۹۱؛ چابکی، ۱۳۹۲).

خانواده گسترده نقش مهمی در ثبات زندگی زوجی دارد (جوهری محمدی، کلانتر کوشه و فرحبخش، ۱۳۹۴؛ چراغی و ابراهیمی، ۱۳۹۷). در ابتدای مدت مورد مطالعه این پژوهش، عوامل اجتماعی نظیر دخالت و اعمال نفوذ ریش سفیدان و خانواده گسترده در

ازدواج وجود داشت که گاهی مخرب بودند؛ اما در نهایت به تداوم ازدواج حتی با وجود آسیب‌ها منجر می‌شدند. به تدریج در گذار زمان جامعه نسبت به ازدواج بی‌تفاوت شد و از سوی دیگر زوج‌ها هم توجه چندانی به خواسته‌های جامعه نشان ندادند. کنترل اجتماعی که در زمینه شکل‌گیری، تداوم و فروپاشی ازدواج وجود داشت به تدریج از بین رفت. این پدیده ابتدا از شهرهای بزرگ آغاز شد و سپس به روستاها نیز تسری یافت. گسترش رسانه‌ها و فضای مجازی و ماهواره در جای جای کشور این امر را تسریع کرد و باعث شد نقش جامعه در ازدواج کم‌اثر شود.

در برخی پژوهش‌ها اهمیت اثرگذاری عوامل اجتماعی بیش از دیگر عوامل ارزیابی شده است به‌عنوان مثال: نگاه کنید به طیبی نیا (۱۳۹۴) و رستگار خالد، رحیمی و عظیمی (۱۳۹۴). از نظر پژوهشگران این پژوهش، در مورد ازدواج هر چه از سال ۱۳۵۷ گذشت جامعه کارآمدی خود را در امر آموزش زن و مرد و آماده‌سازی آن‌ها برای شکل‌دهی ازدواج از دست داد و در محتوای آموزشی جامعه نیز تغییراتی به وجود آمد. درحالی‌که انتظار می‌رفت جامعه آموزش‌های سازنده در زمینه ازدواج داشته باشد، از نظر متخصصین به تدریج الگوهای غلط و ناکارآمد توسط جامعه آموزش داده شد. تنوع‌طلبی بالا، هیجان‌طلبی، پیگیری لذت‌های آنی و زودگذر، مسئولیت‌ناپذیری، تبلیغ در ارائه رضای نیازها در خارج از ازدواج، بی‌اثر کردن ازدواج در مسیر تکامل فرد، بی‌اثر کردن وجود فرزندان و تأکید بر زندگی شخصی زن و مرد، تقلیل نقش خانواده‌ها در تصمیم‌گیری فرزندان، بی‌اثر کردن نقش بزرگان خانواده و ریش‌سفیدان و معتمدین، جنگ و انقلاب و به‌هم خوردن ترکیب جنسیتی زن و مرد در جامعه و مهم‌تر از این عوامل، ارائه سبک زندگی مادی‌گرایانه و تجملاتی به نسل‌های جدید از جمله آموزه‌های اجتماعی مخربی است که جامعه به اعضای خود در این سال‌ها ارائه کرده است.

فناوری‌ها و فضای مجازی به‌عنوان یک ابزار تسهیل‌کننده، آموزش این آموزه‌های ناسازگار را سرعت بخشیده است. مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی سبک غالب زندگی در سال‌های اخیر در جامعه ایران است (هاشم‌زاده، ۱۳۹۸) و به نسل‌های جدید آموزش داده می‌شود.

گسترش فزاینده فناوری اطلاعات و ارتباطات در ابعاد مختلف موجب شده تا گروه‌های دارای مرز سخت سنتی جای خود را به گروه‌های مجازی با مرزهای منعطف بدهد. بانفوذ اینترنت به درون خانواده‌ها امکان اشتراک اطلاعات در میان گروه‌های مختلف فراهم شده است (بختیاری و نصیری، ۱۳۹۵). رسانه‌های محدود در سال ۱۳۵۷ در گذار زمان از لحاظ تعداد، ساعات پخش و تنوع به انبوهی از رسانه‌ها در سال ۱۴۰۱ رسیده‌اند. متخصصین در این پژوهش اشاره کردند که نقش رسانه‌های داخلی و خارجی در زمینه ازدواج بیش از سازندگی مخرب بوده است. رسانه‌ها توانسته‌اند در طی سال‌های مورد پژوهش مسائل ارزشی، اخلاقی، خداآواری، سبک تفکر و جهان‌بینی زن و مرد اثر بگذارند و نگرش آن‌ها را نسبت به ازدواج تغییر دهند. ترویج تجمل‌گرایی در تصاویری که رسانه‌ها از یک زندگی ارائه می‌دهند در انتظارات زن و مرد از ازدواج شرایط آن تغییر داده است. علاوه بر این جهانی‌شدن و فضای مجازی نقش مهمی در تغییر فرهنگ ازدواج داشته است. فضای مجازی از حداقل کنترل‌های اجتماعی برخوردار است، توانسته تعریف جدیدی از رابطه زن و مرد داشته باشد که با ازدواج رسمی و شرعی همسو نیست. در سال‌های ابتدایی از ۱۳۵۷ به بعد زن و مرد اطلاعات را عمدتاً از کتاب‌ها و حلقه اجتماعی نزدیک خود دریافت می‌کردند، در سال‌های اخیر اطلاعات مربوط به ازدواج بیش از هر جای دیگری از فضای مجازی به دست می‌آید. در این میان محتواهای آموزشی تولید شده توسط متخصصین نسبت به محتوای تولید شده

توسط افراد ناآگاه در اقلیت قرار دارد. فضای مجازی در برقراری ارتباطات اجتماعی تأثیرات مثبت و پیامدهای منفی دارد. این پدیده نوظهور موجب اختلال در تعاملات خانوادگی، نگرش‌ها، ارزش‌ها، هنجارهای زندگی شده است (حضرتی صومعه و رحیمی، ۱۳۹۴؛ حاج محمدی و حاج محمدی، ۱۳۹۶).

دانش و آگاهی خانوادگی نقش تأثیرگذاری در نگرش و عملکرد مثبت فرزندان در ازدواجشان دارد (روشنی، ۱۴۰۰). این پژوهش نشان داد، در گذشته سطح دانش و آگاهی و همچنین تحصیلات دانشگاهی خانواده‌ها کم بوده است، با افزایش تعداد دانشگاه‌ها و به تبع آن بالارفتن سطح تحصیلات در خانواده‌ها در طول سال‌های مورد پژوهش، آگاهی و دانش خانواده‌ها در زمینه‌های مختلف از جمله حقوق فردی و اجتماعی افزایش یافت. علاوه بر این گسترش دسترسی به اطلاعات نیز باعث دانش‌افزایی شده است. در قیاس با گذشته در زمان حال از این دانش بیشتر در مورد احقاق حقوق فردی و اجتماعی استفاده می‌شود و در مواردی هم این دانش و آگاهی باعث می‌شود زوج‌ها برای شکل‌دهی، تداوم یا فروپاشی رابطه از نظر متخصصین کمک بگیرند.

تغییر شکل ویژگی‌های جمعیت‌شناختی از مهم‌ترین نشانه‌های جوامع معاصر محسوب می‌شود (فروتن^۱، ۲۰۱۹). این تغییرات در زمینه ازدواج خود را به صورت تغییر در الگوی همسرگزینی، فرزندآوری، سن ازدواج، سیر صعودی طلاق و تجرد، خانواده تک‌والدی نشان می‌دهد (فروتن و صادقی، ۱۴۰۰). در گذشته ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نظیر اشتغال، سن، مذهب، ملیت، نژاد و تحصیلات اهمیت زیادی در ازدواج مخصوصاً در دوره شکل‌گیری داشته است. مطابق با یافته‌های این پژوهش احتمالاً از سال ۱۳۵۷ به بعد به تدریج این ویژگی‌ها به شکل‌نمایی اهمیت خود را از دست داده‌اند یا

با تغییرات گسترده‌ای مواجه شده‌اند. در این مدت سن ازدواج افزایش یافته، سطح تحصیلات زوج‌ها بالا رفته، زن‌ها بیش از پیش به تحصیل رو آورده‌اند، نرخ زنان شاغل افزایش یافته و زن‌ها استقلال مالی بیشتری پیدا کرده‌اند. این تغییرات انتظارات زوج‌ها مخصوصاً زن‌ها را نسبت به ازدواج تغییر داده است. علاوه بر این نیاز به بودن در ازدواج را نیز کم‌اثرتر کرده است. زنانی که درآمد بیشتری دارند نسبت به تداوم ازدواج، تقویت و توسعه خود و کسب هویت با فرزندان بی تفاوت‌تر می‌شوند (سفیری و ایمانی، ۱۳۸۵؛ هاشمی نیا، رجبی و یاراحمدی، ۱۳۹۵؛ کوششی و خلیلی، ۱۳۹۹).

مطابق با یافته‌های این پژوهش می‌توان فرض کرد، میان تجارب اجتماعی نسل‌های مختلف از ابتدای سال ۱۳۵۷ تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای وجود دارد. سرعت فزاینده تغییرات اجتماعی و پیچیده‌تر شدن مسائل اجتماعی، فرصت‌سازگاری با شرایط جدید را از اعضای جامعه سلب کرده است. در این دوران تجارب افراد در زمینه‌های فقر، بیکاری، اعتیاد، نوگرایی و آسیب‌های اجتماعی تفاوت داشته است و زوج‌ها پیوسته تنش‌های اجتماعی را به طور فزاینده‌ای تجربه کردند. بی‌ثباتی در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و پیامدهای آن، سرمایه اجتماعی و اعتماد مردم را کاهش داد. این موضوع به حوزه روابط زوجی نیز تسری یافته و باعث شد خانواده‌ها به صورت مستقل از جریان اجتماع در مورد ازدواج عمل کنند. این موضوع اخیر بر شدت آشفتگی در زمینه ازدواج زن و مردی که از خانواده‌های متفاوت پا به عرصه زندگی زوجی گذاشته‌اند تأثیر مخربی داشته است.

به همین ترتیب احتمالاً ازدواج از تصمیم‌های سیاسی اتخاذ شده در طول مدت مورد پژوهش نیز آسیب‌دیده است. در سال‌های اخیر مواردی نظیر افزایش طلاق، افزایش سن ازدواج، سست شدن پیوندهای زناشویی، شکاف بین نسلی مشاهده شده است. این

اتفاقات محصول برخی سیاست های اتخاذ شده که شرایط اجتماعی و فرهنگی جامعه ایران و تغییرات جهانی در حوزه فرهنگ و فناوری را نادیده گرفته اند، است (مرادی، ۱۴۰۰).

یافته نشان دادند، کاهش فرصت های شغلی و افزایش بیکاری مخصوصاً در مورد مردها، افزایش فقر، ارائه الگوهای ثروت های بادآورده و نامشروع، بی ثباتی های اقتصادی از یک سو و از سوی دیگر شکل گیری های انتظارات اقتصادی غلط در خانواده ها، استقلال اقتصادی خانم ها و بعضاً برتری اقتصادی زنان بر مردها در سال های اخیر باعث شده است مسئله اقتصادی که در سال های ابتدایی دوره مورد پژوهش اهمیت چندانی نداشت با گذشت زمان به یکی از مهم ترین مؤلفه های تأثیرگذار در ازدواج تبدیل شود. در سال های اخیر به دلیل بی ثباتی اقتصادی حاکم بر گروه قابل توجهی از اعضای جامعه زن ها و مردها دچار یاس و ناامیدی اقتصادی شده اند و تمایل یا شهامت شکل دهی ازدواج را ازدست داده اند و یا اصولاً توانایی شکل دهی و حفظ یک ازدواج و انتظارات مالی که در آن وجود دارد را در خود احساس نمی کنند.

علاوه بر این ها، مرور پژوهش های ملی خانواده و موج سوم ارزش ها و نگرش های ایرانیان نشان می دهد تغییرات نگرشی و ارزشی به ازدواج در سه نسل بعد از انقلاب رخ داده است (کاظمی پور، ۱۴۰۰). متخصصین در این پژوهش بر اساس تجربه زیسته خود بر این باور بودند، فرهنگ مؤثر بر ازدواج که در سال های قبل از ۱۳۵۷ به سمت تجدد و نوگرایی حرکت می کرد، پس از این سال ناگهان به سمت سنتی تر شدن و افزایش توجه به ارزش های دینی و سنتی اسلامی تغییر مسیر داد، بعد تحت تأثیر عوامل اجتماعی و سیاسی که پیش تر مورد اشاره قرار گرفت مجدداً با سرعت زیاد به سمت تجدد و افول ارزش های دینی حرکت کرد. این در حالی است که بخشی از جامعه همچنان در پی حفظ و اشاعه فرهنگ سنتی و مذهبی هستند. علاوه بر این مهاجرت و شهرنشینی،

افزایش تعاملات با فرهنگ‌های دیگر و اثرپذیری از آن یا به عبارت دیگر آمیختگی فرهنگی داخلی و خارجی و پدید آیی مفهوم دهکده جهانی در حوزه فرهنگ، ازدواج را تحت تأثیر بی‌ثباتی و بی‌نظمی فرهنگی قرار داده است. به طوری که ازدواج شاهد گوناگونی انتظارات فرهنگی است و زوج‌ها در این زمینه دچار سردرگمی و ابهام شده‌اند. در حالی که دین‌داری و مذهب نقش مهمی در حفظ نگرش سنتی در ازدواج دارد (نیکخواه، فانی و اصغرپور ماسوله، ۱۳۹۶)، نسل‌های جدید حساسیت‌های مذهبی کمتری دارند و نتیجه آن در روابط زوجی مشهود است. در نگاهی متفاوت نسبت به پژوهش (دهدست، ۱۴۰۱)، مبنی بر ادراک جوانان از ازدواج که جوانان ازدواج را راه و مسیر هدفدار با قابلیت ساخته شدن می‌دانند، یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد نگاه نسل‌های جدید به ازدواج یک نگاه ابزاری است که فرد را در مسیر دستیابی به اهداف فردی، کمک می‌کند.

میزان اثرپذیری زوج‌ها از خانواده به دلیل شکاف بین‌نسلی تفاوت‌های قابل ملاحظه در نگرش‌ها و ارزش‌ها در میان نسل‌های گوناگون کاهش یافته است (عبدی، اکبری قمصری و شکرچی ۱۳۹۶). از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۴۰۱ طبق نظر متخصصان در گذشته خانواده‌های گسترده در تمام مراحل ازدواج نقش پررنگی را ایفا می‌کردند. هم‌زمان با تغییرات اجتماعی و فرهنگی و سطح دانش و آگاهی زوج‌ها و خانواده‌ها، نقش خانواده و ریش‌سفیدان کم‌اثر شده و جای خود را به عوامل اجتماعی مانند دادگاه‌ها، وکلای روان‌شناس‌ها داد. از سوی دیگر گروه دوستان در ازدواج نقش و قدرت اثرگذاری بیشتری به دست آوردند. در گذشته خانواده‌ها سخت‌گیری و تعصب بیشتری نسبت به فرزندان خود و همچنین ازدواج آن‌ها داشتند. در طول زمان سبک تربیتی سهل‌گیرانه از سوی والدین بیشتر به کار گرفته شد و نسل جدید بر مبنای لذت‌طلبی فوری، کوتاه‌مدت و ارضای نیازهای سطح پایین تربیت شد. کاهش تعداد هم‌شیرها و ارتباطات میان

خانواده‌های گسترده سبب شد، آموزه‌های ضروری در مورد ازدواج شکل نگیرد و تجارب مهم خانواده گسترده به نسل‌های جدید منتقل نشود، در عوض آموزه‌های غلطی چون نگاه مادی‌گرایانه و تجمل‌گرایی توسط خانواده‌ها به نسل جدید آموزش داده شد. این موضوعات در غیاب اثرگذاری و آموزش‌های اجتماعی و تصمیم‌گیری‌های تخصصی و اصولی در زمینه ازدواج باعث شد زوج‌ها با فقر دانش و مهارت زندگی زوجی پای به عرصه ازدواج بگذرانند و شاهد چالش‌ها و تعارضات گوناگونی باشند. گروهی از خانواده‌ها نیز با توجه به تجارب ناموفق خود یا مشاهده آن در اجتماع نگرش‌هایی را بر علیه ازدواج در فرزندان خود به وجود آوردند. این نگرش‌ها مکمل ارضای نیازهایی شد که باید در چارچوب ازدواج ارضا می‌شدند؛ اما ارضای آن‌ها در خارج چارچوب ازدواج هزینه کمتری برای زن و مرد داشت و سهل وصول نیز بودند.

بنا بر آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت، از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۴۰۱ به تدریج در روابط زوجی تغییرات قابل توجهی به وجود آمده که منجر به آشفتگی در زمینه ازدواج شده است. این آشفتگی را می‌توان در وجود دیدگاه‌های متفاوت و بعضاً متعارض نسبت به ازدواج دید، به عبارتی دیگر همسو با پژوهش‌های دیگر نگرش در مورد ازدواج در جامعه ایران ترکیبی از نگرش‌های نامتوازن است. به عنوان مثال (جهانی دولت آباد، ۱۳۹۷). میان نسل‌های مختلف از سال ۱۳۵۷ شکاف بین نسلی وجود دارد و به تدریج هر چه به سال ۱۴۰۱ نزدیک‌تر می‌شود، این شکاف به گسست بین نسلی تبدیل می‌شود. ازدواج نیز تحت تأثیر این شکاف و گسست بین نسلی قرار گرفته است.

نکته قابل توجه در این پژوهش، تأثیر نهاد حکومت در پدیده ازدواج است. سیاست‌گذاری‌های غیرتخصصی و بعضاً متعارض، بی‌توجهی به تأثیر اقتصاد بر روابط زوجی، غفلت‌های فرهنگی، وضع قوانین ناکارآمد، عدم توجه به شرایط روز جامعه و جامعه جهانی در سال‌های گذشته موجب ایجاد اختلال در امر ازدواج شده است.

اتخاذ سیاست‌های خانواده دولت محور یا خانواده رسانه‌ای باعث می‌شود خانواده کارکردهای مستقل خود را از دست بدهد و به جای نظام مستقل خانواده که قدرت باز تعریف تعاملات درون خانوادگی، آداب و سنن را دارد، نظام حکومتی و سیاست‌زده تعیین‌کننده باشد. از طرف دیگر با تغییر دولت‌ها و سیاست‌ها نظام خانواده نیز دچار بی‌نظمی می‌شود (ثناگویی‌زاده، ۱۴۰۰). به طوری که نسل‌های اخیر تمایل چندانی به شکل‌دهی ازدواج رسمی و شرعی نداشته و ترجیح می‌دهند نیازهای خود را به شکل‌های دیگری نظیر ازدواج سفید و یا در روابط دوستانه ارضا کنند.

محدودیت‌های پژوهش: در پژوهش‌های کیفی نمی‌توان نتایج را به جامعه بزرگ‌تر تعمیم داد و پژوهشگر هم در این پژوهش چنین ادعایی ندارد. با توجه به این موضوع تنها تلاش شد از نگاه متخصصین موضوع ازدواج و تغییرات آن از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۴۰۱ مورد بررسی و ارزیابی قرار بگیرد.

پیشنهاد‌های پژوهشی و کاربردی: اعتقاد پژوهشگران این پژوهش بر این است که شاخص‌های برآمده از این پژوهش نشان می‌دهند شکل‌گیری، تداوم و فروپاشی ازدواج نیازمند سیاست‌گذاری‌های تخصصی در زمینه‌های فردی، برون‌زوجی و بین‌زوجی است. توجه تخصصی و به دور از سیاست‌زدگی به مسئله چگونگی شکل‌گیری ازدواج و عوامل مؤثر بر آن می‌تواند از دامنه و شدت آسیب‌های شکل‌گیری‌های ناسالم ازدواج بکاهد. با توجه به پژوهش انجام شده پیشنهاد می‌شود، تأثیر تصمیم‌گیری‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و قضایی توسط گروهی از متخصصین حیطه ازدواج ارزیابی شود و پیامدهای مثبت و منفی این تصمیم‌گیری‌ها در امر ازدواج در اتخاذ و یا عدم اتخاذ آن تصمیم‌اثرگذار باشد. بر اهمیت نقش خانواده در امر ازدواج فرزندان تأکید شود و خانواده‌ها در این مورد آموزش‌های لازم را ببینند. به نسل‌های جدید کمک شود در امر هویت‌یابی به طور مستقل عمل کنند (هویت اکتسابی)؛ به عبارتی دیگر با پرهیز از

القای هویت مورد نظر سیاست گذاران (هویت زود رس)، مانع ایجاد هویت مغشوش یا هویت دیر رس شوند. خلأ معنا یا کم رنگ شدن معنای زندگی برای نسل های جدید مورد توجه قرار بگیرد و به نسل های جدید کمک شود بتوانند معنای خاص زندگی خود را داشته باشند. با توجه به تغییرات اجتماعی و فرهنگی در سال ۱۴۰۱، پیشنهاد می شود، این پژوهش با هدف پیگیری تأثیر تغییرات این مقطع در پدیده ازدواج تکرار شود. همچنین پیشنهاد می شود با کمی سازی پژوهش حاضر در پژوهش های آتی بر غنای دانش در حیطه ازدواج افزوده شود.

ملاحظات اخلاقی: این پژوهش دارای کد اخلاق IR.KHU.REC.1401.043 است.

سهم نویسندگان: نویسندگان نام برده شده، مسئولیت تمامی مراحل فرایند پژوهشی را به عهده دارند.

تعارض منافع: این پژوهش با منافع شخص یا سازمانی منافات ندارد.

قدردانی: بدین وسیله از همه متخصصین شرکت کننده در این پژوهش تشکر می شود.

منابع

- احمدنیا، شیرین، شرافت، شمیم، و تقی خان، کیانا. (۱۳۹۶). هویت یابی متمایز دختران نسل نو با تأکید بر تحصیلات دانشگاهی. *مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، ۱۶ (۳۶)، ۱۰۷-۱۲۲.
- آقابخشی، حبیب، صدیقی، بهرنگ، و اسکندری، محمد. (۱۳۸۸). بررسی عوامل موثر بر گرایش جوانان به سوء مصرف مواد مخدر صنعتی. *پژوهش اجتماعی*، ۲ (۴)، ۷۱-۸۷.
- بالا خانی، قادر، و ملکی، امیر. (۱۳۹۶). بررسی ظهور فردگرایی در عرصه خانواده (مطالعه موردی: شهروندان تهرانی). *فصلنامه مطالعات راهبردی زنان*، ۲۰ (۷۷)، ۷-۳۴. [DOI.org/10.22095/jwss.2017.59703](https://doi.org/10.22095/jwss.2017.59703)
- بختیاری، آمنه، و نصیری، بهاره. (۱۳۹۵). واکاوی تأثیرات شبکه های اجتماعی بر سبک زندگی خانواده ایرانی. *مجله مدیریت شهری و روستایی*، ۴۵، ۴۷۵-۴۸۸.
- بگی، میلاد، و حسینی، حاتم. (۱۴۰۰). تفاوت های نسلی در نگرش نسبت به طلاق در ایران: کاربرد الگوی چندسطحی. *پژوهش های راهبردی مسائل اجتماعی ایران*، ۱۰ (۳۳)، ۳۳-۴۴.
- [DOI.org/10.22108/srsp.2021.132060.1764](https://doi.org/10.22108/srsp.2021.132060.1764)

- بنی جمالی، محسن، و صادقی فسایی، سهیلا. (۱۳۹۹). جوانان و موانع ازدواج. *مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، ۲۰(۵۱)، ۹-۳۳.
- پور دهقان، پرندیس، منصور، محمود، و باقری، فریبرز. (۱۳۹۵). گسست در روابط بین‌نسلی و تأثیر آن در شکل‌گیری هویت فرزند خانواده ایرانی. *مجله علوم روان‌شناختی*، ۱۵(۵۸)، ۱۶۷-۱۸۴.
[Dorl.net/dor/20.1001.1.17357462.1395.15.58.1.5](https://doi.org/10.17357462.1395.15.58.1.5)
- ثناگویی زاده، محمد. (۱۴۰۰). شناسایی عوامل مرتبط با پایداری ازدواج در مطالعات ایرانی (۱۳۸۸-۱۳۹۸). *فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی*، ۷(۳)، ۲۶۱-۲۷۷.
[DOI.org/10.22059/jppolicy.2021.83378](https://doi.org/10.22059/jppolicy.2021.83378)
- جعفرزاده پور، فروزنده. (۱۳۹۶). رسانه ابزاری برای دسته‌بندی نسل‌ها در ایران. *جامعه‌پژوهی فرهنگی*، ۸(۲)، ۱-۱۷.
- جوهری محمدی، مریم، کلانتر کوشه، محمد و فرحبخش، کیومرث. (۱۳۹۴). مقایسه رضایت زناشویی با همسرگزینی سنتی غیرسنتی شهر تهران. *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۵(۲)، ۱۴۱-۱۲۱.
[Dorl.net/dor/20.1001.1.22516654.1394.5.2.6.4](https://doi.org/10.1001.1.22516654.1394.5.2.6.4)
- جهانی دولت آباد، اسماعیل. (۱۳۹۷). بررسی میزان انطباق واقعیت روابط زناشویی در ایران با مفهوم رابطه ناب‌گیدنز. *نشریه مطالعات زن و خانواده*، ۶(۲)، ۲۵-۵۸.
[DOI.org/10.22051/jwfs.2019.17504.1584](https://doi.org/10.22051/jwfs.2019.17504.1584)
- چابکی، ام‌البنین. (۱۳۹۲). مطالعه بین‌نسلی رابطه نگرش به طلاق و کارکردهای خانواده در زنان شهر تهران. *مطالعات زنان و خانواده*، ۱(۱)، ۱۵۹-۱۸۵.
[DOI.org/10.22051/jwfs.2014.1512](https://doi.org/10.22051/jwfs.2014.1512)
- چراغی، مونا، و ابراهیمی، مریم. (۱۳۹۷). تحلیل روان‌شناختی رابطه والد-فرزندی در ضرب‌المثل‌های ایرانی: یک پژوهش کیفی. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۱۴(۳)، ۴۱۰-۳۸۳.
- حاج محمدی، فرشته، و حاج محمدی، سمیرا. (۱۳۹۶). تأثیرات اخلاقی استفاده از فضای مجازی بر پیوند زناشویی و روابط فرزندان در خانواده. *نشریه اخلاق*، ۱۳(۵۰)، ۱۱-۳۷.
[DOI.org/10.22081/jare.2018.49851.1175](https://doi.org/10.22081/jare.2018.49851.1175)
- حاتمی‌کیا، بهناز، شریعتمدار، آسیه، و نعیمی، ابراهیم. (۱۴۰۱). تجربه انتخاب همسر افراد متقاضی طلاق. *فصلنامه علمی پژوهش‌های مشاوره*، ۳۱(۸۲)، ۳۲-۵۶.
[Dorl.net/dor/20.1001.1.2717400.1401.21.82.1.5](https://doi.org/10.1001.1.2717400.1401.21.82.1.5)
- حضرتی صومعه، زهرا، و رحیمی، محمد. (۱۳۹۴). بررسی جامعه‌شناختی رابطه رسانه‌های جدید و شکاف بین‌نسلی در جوانان ۲۰ تا ۲۸ ساله والدین‌شان. *مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، ۱۴(۳۰)، ۱۲۳-۱۴۱.
- خانی، سعید؛ محمدزاده، حسین و عباسی شوازی، محمدجلال. (۱۳۹۷). مقایسه بین‌نسلی ایده‌آل‌های ازدواج و فرزندآوری با تأکید بر نقش ویژگی‌های زمینه‌ای در شهرستان سنندج. *مسائل اجتماعی ایران*، ۹(۲)، ۴۹-۷۶.
[Dorl.net/dor/20.1001.1.24766933.1397.9.2.8.5](https://doi.org/10.1001.1.24766933.1397.9.2.8.5)
- درتاج، فریبا. (۱۳۸۹). بررسی نقش عوامل مؤثر در گرایش به مصرف مواد مخدر جدید. *فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ۲(۴)، ۱۶۵-۱۵۱.
- دلور، علی. (۱۳۹۳). روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی. تهران: نشر ویرایش، ۲۳۳.
- دلخمش، محمدتقی. (۱۳۹۲). بازخورد جوانان ایرانی به ازدواج: یافته‌های یک پیمایش ملی. *روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*، ۹(۳۶)، ۳۳۱-۳۵۰.
- دهدست، کوثر. (۱۴۰۱). استعاره‌های جوانان ایرانی از ازدواج مبتنی بر نظریه استعاره‌شناختی. *فصلنامه علمی پژوهش‌های مشاوره*، ۲۱(۸۱)، ۵-۳۸.
[Dorl.net/dor/20.1001.1.2717400.1401.21.81.5.7](https://doi.org/10.1001.1.2717400.1401.21.81.5.7)

- رحیمی، علی، کاظمی پور، شهلا و رازقی نصرآباد، حجیه بی بی. (۱۳۹۵). تحلیل گذار تجرد زنان و مردان در ایران طی سال های ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰. مجله مطالعات اجتماعی ایران، ۹(۳)، ۸۰-۱۰۹.
[DOI.org/10.22059/jisr.2015.57073](https://doi.org/10.22059/jisr.2015.57073)
- رستگار خالد، امیر، رحیمی، ماریا، و عظیمی، هاجر. (۱۳۹۴). نگرش سنجی پدیده دیررسی ازدواج (مورد مطالعه: شهر ایلام). مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۴(۴)، ۷۰۶-۶۸۵.
[DOI.org/10.22067/ijap.v6i1.51140](https://doi.org/10.22067/ijap.v6i1.51140)
- ریحانی، رضا، سلیمانیان، علی اکبر، و نظیفی، مرتضی. (۱۳۹۵). پیش بینی بی ثباتی ازدواج بر اساس مهارت تنظیم هیجانی و سبک های هویتی. پژوهش های روان شناسی بالینی و مشاوره، ۱(۶)، ۶۰-۷۶.
[DOI.org/10.22067/ijap.v6i1.51140](https://doi.org/10.22067/ijap.v6i1.51140)
- زاهدی اصل، محمد، فتحی، منصور، و محمدزاده، رقیه. (۱۴۰۰). تجارب و چالش های دختران با سابقه هم خانگی. فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، ۲۱(۸۰)، ۲۷۵-۳۰۹.
[DOI.org/10.22067/ijap.v6i1.51140](https://doi.org/10.22067/ijap.v6i1.51140)
- ساروخانی، باقر، و قاسمی، علیرضا. (۱۳۹۱). بررسی جامعه شناختی عوامل مؤثر بر افزایش طلاق توافقی در شهرستان کرمانشاه. فصلنامه فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده، ۷(۲۱)، ۸۷-۶۹.
[DOI.org/10.22067/ijap.v6i1.51140](https://doi.org/10.22067/ijap.v6i1.51140)
- سازمان ثبت احوال ایران. (۱۴۰۰). جدول سالیانه آمار حیاتی ایران. قابل دسترسی در آدرس: سایت سازمان ثبت احوال ایران. <https://www.sabteahval.ir/Page.aspx>
- سرابی، حسن، و اوچاقلو، سجاد. (۱۳۹۲). مطالعه نسلی تغییر ارزش ازدواج در ایران، مطالعه موردی زنان شهر زنجان. مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۵(۴)، ۱۹-۴۱.
- سفیری، خدیجه، و ایمانی، الهه. (۱۳۸۵). تحرک اجتماعی بین نسلی زنان در تهران با تأکید بر دسترسی به امکانات و فرصت ها. پژوهش زنان، ۴(۱ و ۲)، ۱۴۱-۱۸۵.
- شیردل، سعیده، و بوالهروی، جعفر. (۱۴۰۰). بی وفایی زناشویی: چالش فراوری درمانگران. مجله روانپزشکی و روان شناسی بالینی ایران، ۲۷(۱)، ۱۴۳-۱۳۸.
[DOI.org/10.32598/ijpcp.27.1.3287.1](https://doi.org/10.32598/ijpcp.27.1.3287.1)
- طیبری نیا، موسی. (۱۳۹۴). میزان تمایل جوانان به ازدواج و شناسایی موانع و مشکلات آن. فصلنامه مطالعات جامعه شناختی جوانان، ۵(۱۶)، ۸۶-۶۳.
- عاملی رضایی، مریم. (۱۳۹۶). تحلیل مناسبات نسلی در رمان فارسی دو دهه از ۱۳۷۰-۱۳۹۰ ادبیات پارسی معاصر. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۷(۲)، ۸۳-۱۰۵.
- عباس زاده، محمد، آقایی هیر، تتوکل، علیزاده اقدم، محمدباقر، و عدلی پور، صمد. (۱۳۹۹). نوسازی و تحول ارزش های خانوادگی سنتی در شهر تبریز. دو فصل نامه جامعه شناسی اقتصادی و توسعه، ۹(۱)، ۱۶۱-۱۹۰.
[DOI.org/10.22067/ijap.v6i1.51140](https://doi.org/10.22067/ijap.v6i1.51140)
- عبدی، شهین، اکبری قصصی، امیر، و شکرچی، احمد. (۱۳۹۶). بررسی عوامل مؤثر بر شکاف بین نسلی درباره ازدواج و معیارهای انتخاب همسر در بین دانشجویهای شهر تهران و تکاب. پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی دانشگاه شهید بهشتی.
- عظیمی هاشمی، مرگان، اعظم کاری، فائزه، بی گناه، معصومه، و رضامنش، فاطمه. (۱۳۹۴). ارزش ها، نگرش ها و الگوهای کنش جوانان در خصوص همسرگزینی و روابط پیش از ازدواج. راهبرد فرهنگ، ۲۹، ۱۷۹-۲۱۲.
- فروتن، یعقوب، و صادقی، خدیجه. (۱۴۰۰). تفاوت نسلی مرتبط با نگرش های جمعیت شناختی در ایران. جامعه شناسی کاربردی، ۳۲(۸۴)، ۹۶-۶۶.
[DOI.org/10.22108/jas.2021.121935.1880](https://doi.org/10.22108/jas.2021.121935.1880)

- فرهمنند، مهناز، خرم پور، یاسین، پارسائیان، زهره، و ماندگاری، فرزانه. (۱۳۹۳). تأثیر مؤلفه‌های نوگرایی در حمایت خویشاوندی خانواده‌های شهر یزد. فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایرانیان، ۷(۳)، ۱۴۹-۱۷۷.
[DOI.org/10.7508/ijcr.2014.27.007](https://doi.org/10.7508/ijcr.2014.27.007)
- فلاحی گیلان، روح‌الله، روشنفکر، پیام، و پورکسمایی، مریم. (۱۳۹۱). بررسی بین‌نسلی نگرش به طلاق: مطالعه‌ای در استان زنجان. فصلنامه راهبردهای اجتماعی و فرهنگی، ۱(۲)، ۱۳۹-۱۵۶.
[Dorl.net/dor/20.1001.1.22517081.1391.1.1.7.4](https://doi.org/10.22517081.1391.1.1.7.4)
- قاسمی ارگنه، حامد، اعتمادی، عذرا، و فاتحی‌زاده، مریم. (۱۴۰۱). طراحی و اعتباریابی الگوی آموزشی پیشگیری از انتقال بین‌نسلی طلاق و بررسی اثر بخشی آن بر دلزدگی و انتظارات زناشویی. فصلنامه علمی پژوهش‌های مشاوره، ۲۱(۸۴)، ۶۲-۹۷.
[DOI.org/10.18502/qjcr.v21i84.12104](https://doi.org/10.18502/qjcr.v21i84.12104)
- قنبری برزبان، علی، سلمانوندی، شاپور، و فاطمی، نرگس. (۱۳۹۸). تأملی بر تأثیر روابط جنسی پیش از ازدواج بر گرایش به ازدواج. پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، ۷(۳)، ۳۳-۵۴.
[DOI.org/10.22108/ssoss.2019.113584.1325](https://doi.org/10.22108/ssoss.2019.113584.1325)
- کاظمی پور، شهلا. (۱۴۰۰). تغییرات فرهنگی و تحول خانواده معاصر با تأکید بر ازدواج و فرزندآوری. رهپویه ارتباطات و فرهنگ، ۱(۱)، ۲۲-۷.
[DOI.org/10.22034/rcc.2021.248914](https://doi.org/10.22034/rcc.2021.248914)
- کوششی، مجید و خلیلی، مهدی. (۱۳۹۹). پیش‌بینی عمومیت ازدواج زنان ایران (بر پایه تحلیل الگوهای همسرگزینی). بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱۱(۲)، ۷-۴۰.
[DOI.org/10.22059/ijasp.2021.82670](https://doi.org/10.22059/ijasp.2021.82670)
- گروسی، سعیده و یاری نسب، فاطمه. (۱۳۹۹). تفاوت نسلی نگرش به ارزش‌های ازدواج و عوامل مؤثر در آن در زنان ساکن شهر یاسوج. مطالعات راهبردی زنان، ۲۲(۸۷)، ۱۳۱-۱۴۹.
[DOI.org/10.22095/jwss.2020.186411.1993](https://doi.org/10.22095/jwss.2020.186411.1993)
- گنجی، محمد، موسوی، کمال، و واحدیان، مرتضی. (۱۴۰۰). تحولات معنایی عشق و رویه‌های کنش عاشقانه در بستر تجربه ارتباطی آنلاین. پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، ۱۰(۳)، ۲۲-۱.
[DOI.org/10.22108/srsp.2021.132061.1765](https://doi.org/10.22108/srsp.2021.132061.1765)
- محمدی، زهرا. (۱۴۰۰). بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی با تمایل به طلاق در میان زنان بندر دلم. پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، ۱۰(۲)، ۷۲-۵۵.
[DOI.org/10.22108/srsp.2021.129419.1718](https://doi.org/10.22108/srsp.2021.129419.1718)
- مدیری، فاطمه، و مهدوی، محمدصادق. (۱۳۹۴). ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی در شهر تهران. فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۱۱(۳)، ۲۸۱-۲۹۶.
- مرادی، رامین. (۱۴۰۰). تحلیل سیاست‌های فرهنگی خانواده در ایران پس از انقلاب. فصلنامه علمی مطالعات فرهنگ - ارتباطات، ۵۳(۲۲)، ۲۴۶-۲۲۳.
[DOI: 10.2202083/jccs.2019.193233.2858](https://doi.org/10.2202083/jccs.2019.193233.2858)
- ناییبی، هوشنگ، و نظریان، شیما. (۱۴۰۰). تبیین جامعه‌شناختی طلاق. فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی، ۲۸(۱)، ۱۸۱-۱۶۳.
[DOI.org/10.22059/jsr.2021.84518](https://doi.org/10.22059/jsr.2021.84518)
- نعمتی، سلمان، جان بزرگی، مسعود، و صفورایی محمد مهدی. (۱۴۰۰). تبیین عوامل آرامش‌زا و آرامش‌زدای خانواده در قرآن. دوفصلنامه علمی قرآن و علم، ۱۵(۲۹)، ۲۶۳-۲۸۵.
[DOI.org/10.22034/qve.2022.6651](https://doi.org/10.22034/qve.2022.6651)
- نیکخواه، هدایت‌الله، فانی، مریم، و اصغرپور ماسوله، احمدرضا. (۱۳۹۶). سنجش نگرش دانشجویان نسبت به ازدواج و عوامل مؤثر در آن. جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۸(۶۷)، ۹۹-۱۲۲.
[DOI.org/10.22108/jas.2017.21711](https://doi.org/10.22108/jas.2017.21711)

- هاشم‌زاده، علی اصغر. (۱۳۹۸). اثرات مصرف‌گرایی بر هویت اخلاقی فردی با تکیه بر سبک زندگی ایرانیان. فصلنامه اخلاق، ۲(۳۲)، ۱۴۷-۱۶۶. DOI.org/10.22081/jare.2019.53707.1363
- هاشمی نیا، فاطمه، رجیبی، ماهرخ، و یاراحمدی، علی یار. (۱۳۹۵). بررسی نگرش زنان به ارزش فرزندان (مورد مطالعه: زنان ۱۵-۴۹ ساله شیراز). جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۸(۶۷)، ۶۱-۷۸. DOI.org/10.22108/jas.2017.21438
- یزدانی، عباس علی، و دوستی، سمین. (۱۳۹۴). اشکال نوپدید خانواده در ایران و چالش‌های آن. پژوهش‌نامه مددکاری اجتماعی، ۲(۶)، ۷۵-۱۰۰. DOI.org/10.22054/rjsw.2015.7894
- یوسفی، علی، کاظمی یزدی، زهرا، و غنی‌زاده، مصطفی. (۱۳۹۸). پدیدارشناسی تجربی تعاملات دگر جنس خواهانه. مطالعات جامعه‌شناسی، ۱۲(۴۴)، ۷۱-۸۶. DOI.org/10.30495/jss.2019.669586
- Brown, S. L., & Wright, M. R. (2017). Marriage, cohabitation, and divorce in later life. *Innovation in Aging*, 1(2), 1-11. <https://doi.org/10.1093/geroni/igx015>
- Carr, D., Freedman, V. A., Cornman, J. C., & Schwarz, N. (2014). Happy marriage, happy life? Marital quality and subjective well-being in later life. *Journal of Marriage and Family*, 76, 930-948. doi:10.1111/jomf.12133
- Foroutan, y. (2019). Cultural analysis of half-century demographic swing of Iran: the place of popular culture. *Journal of ethnic and cultural studies*. 7 (1), 1-19. [persian]. <http://dx.doi.org/10.29333/ejecs/184>
- Ghanizade baghi, M., & varmarzyar, f. (2021). The impact of feminism movement on the evolution of the concept of the family. *Journal of legal research*, 20(46), 225-253. [persian]. <https://doi.org/10.48300/jlr.2021.132620>
- Kiersz, A. (2017). Here's when you're probably getting married. Retrieved from Business Insider website. <https://www.businessinsider.com/2020/03/08-marriage-probability-by-age>.
- Pietromonaco, P. R., & Collins, N. L. (2017). Interpersonal mechanisms linking close relationships to health. *American Psychologist*, 72(6), 531. <https://doi.org/10.1037/amp0000129>
- Roos, LG., Levens, SM., & Bennett JM. (2018). Stressful life events, relationship stressors, and cortisol reactivity: The moderating role of suppression. *Psychoneuroendocrinology*. 2018;89:69-77. doi:10.1016/j.psyneuen.2017. 12. 0 26
- Timothy-Springer, R., & Johnson, E. J. (2018). Qualitative study on the experiences of married couples. *Journal of Human Behavior in the Social Environment*, 28(7), 889-902. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1080/10911359.2018.1467291>
- Yau, N. (2015). Percentage of people who married, given your age. Retrieved from. <https://flowingdata.com/2020/03/08/who-is-married-by-now>
- Zineldin, M. (2019). TCS is to Blame: The Impact of Divorce on Physical and Mental Health. *Int J Prev Med*. 2019;10:141. Published 2019 Aug 12. doi:10.4103/ijpvm.IJPVM-472-18 [persian]. https://doi.org/10.4103%2Fijpvm.IJPVM_472_18

